

همایش
بررسی حوادث سیاسی
آذربایجان
(۱۳۲۰-۱۳۲۵ ش)

پانزدهم مرداد ماه ۱۳۸۶



فهرست مطالب

- مقدمه دبیر همایش / دکتر حسین احمدی ۱
- برنامه همایش ۳
- خلاصه مقالات :
- آشوب های آذربایجان در مراحل نخست اشغال؛ پیش درآمدی بر ماجرای فرقه / کاوه بیات ۴
- خلخال و فرقه دموکرات آذربایجان / سید محمد مسعود نقیب ۵
- ایجاد بسترهای مناسب جهت تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان / مسعود عرفانیان ... ۷
- زنجان ، همسویی اکثریتی با نیروهای محلی در بحران آذربایجان / دکتر مسعود بیات ۸
- مراغه و فرقه دموکرات آذربایجان. مهندس سید مسعود پیمان ۱۲
- مبارزات ملی مردم مرند در برابر فرقه دموکرات / دکتر اسماعیل رفیعیان ۱۵
- تبریز و فرقه دموکرات آذربایجان / ابراهیم ناصحی ۱۹
- هسته های مقاومت در ارسباران در مقابل بیگانگان / حسین دوستی ۲۱
- فعالیت فرقه دموکرات آذربایجان در شهرستان سراب / اصغر حیدری ۲۳
- مبارزه عشایر شاهسون آذربایجان با عناصر فرقه دموکرات آذربایجان و نیروهای
- شوروی / میرنبی عزیززاده ۲۵
- مشکلات فرقه دموکرات در یک سال حکومت بر آذربایجان / دکتر رحیم شهرتی فر ۲۸
- فرقه دموکرات و تجزیه آذربایجان (روایتی از دیروز، پندی برای امروز) / محمدرضا قلی زاد ۳۱
- فراز و فرود دموکرات در آذربایجان (از نگاه اسناد) / منبژه صدری ۳۵
- علل شکست فرقه دموکرات آذربایجان / شهره جلال پور ۳۷
- اردبیل در بحران / رحیم نیکبخت ۳۹

- خوی از شهریور ۱۳۲۰ تا آذر ۱۳۲۵ / دکتر محمد قلی دقیقی ۴۱
- رابطه حزب توده با فرقه دموکرات آذربایجان / شیوا جلال پور ۴۳
- بررسی ابعاد نظامی حوادث سال های ۲۵-۱۳۲۴ آذربایجان / نفیسه واعظ ۴۸
- ترکیه و فرقه دموکرات آذربایجان / محمدعلی بهمنی قاجار ۵۱
- اقدامات حوزه مطالعات سیاست خارجی از دیماه ۸۳ تا تیر ۸۶ ۵۳

مقدمه

دکتر حسین احمدی*

با نگاهی به تاریخ ایران قبل و بعد از اسلام، جایگاه آذربایجانیها در حفظ ایران و حدود و ثغور آن بر کسی پوشیده نیست. رهاورد تاسیس حکومت صفویه توسط شاه اسماعیل اول صفوی در دل آذربایجان و حمایت مردم منطقه از وی و فرزندان، چیزی نبود جز سرافرازی دین، ملت و کشور در مقابل دشمنان خارجی.

استمرار حمایت‌های مردم آذربایجان از کشور را به نوعی در جنگ‌های ایران و روس و سپس در مشروطه می‌توان دید. اندکی پس از مشروطه ایران و تغییر نام آن به آذربایجان - با تمهیدات قبلی - به آرامی مشکلات در دو سوی مرزها در محافل خبری و در میان نخبگان مطرح گشت.

با تجاوز شوروی به ایران در سوم شهریور ۱۳۲۰ و اشغال دویست هزار کیلومتر مربع خاک ایران قدرت هرگونه مخالفت با دولت متجاوز از سوی دولت ایران سلب شد.

نظر به مبارزه شوروی با آلمان در جبهه غربی و روسیه، کشورهای انگلیس و ایالات متحده به شدت مواظب بودند تا تکدر شوروی فراهم نشود نظر به همین ملاحظات تا قبل از شکست آلمان یکه تازی شوروی در صحنه سیاسی ایران ادامه داشت. در این میانه استالین سعی بر استفاده از فشارهای عوامل وابسته به خود همچون حزب توده برای گرفتن نفت شمال را داشت. با سرسختی مجلس و عدم نتیجه گیری شورویها، با جلب نظر استالین، میر جعفر باقراف رئیس جمهوری آذربایجان شوروی قرار را بر تشکیل فرقه دموکرات در آذربایجان نهاد و تشکیلات حزب توده در آذربایجان و مناطق ترک زبان منحل و در فرقه دموکرات ادغام شدند.

* دبیر همایش و مسئول حوزه مطالعات سیاست خارجی.

نظر به حساسیت مردم ایران، شورویها می دانستند که در صورت عیان شدن داغ وابستگی این فرقه به روسها، جایگاه فرقه در میان مردم آذربایجان به شدت نزول خواهد کرد، عاملی که باعث شده بود پشتیبانی علنی شورویها از فرقه تا حداکثر ممکن تقلیل یابد و فقط عده ای خاص از این رابطه محرمانه خبر داشتند.

در سایه حمایت‌های ارتش سرخ، افراد اعزامی از آذربایجان شوروی و همچنین گره خوردن مسائل داخلی نظیر تنگناهای معیشتی، تبعیض، رکود، بیکاری و شعارهای ترکی، نشو و نمای فرقه را در بسیاری از نقاط باعث شد و با گذشت زمان و آشکار شدن بسیاری از زوایای پنهان این حرکت، بدنه مردم آذربایجان ضمن فاصله گرفتن از فرقه برای سقوط آن لحظه شماری می کردند. غیر مستند بودن نظریه قدرت فرقه در میان مردم همین قدر بس که پس از توافق قوام و استالین و خروج ارتش سرخ از ایران، در کمترین زمان ممکن - قبل از رسیدن ارتش ایران - حکومت فرقه دموکرات به دست مردم آذربایجان برچیده شد.

رهبران وابسته و درجه یک زودتر از موعد مقرر و عده ای نیز پس از ۲۱ آذر ۱۳۲۵ از طریق مرز آستارا و بیله سوار و ... به آذربایجان شوروی فرار کردند. هدف حوزه مطالعات سیاست خارجی روشن ساختن زوایای پنهان این حرکت با تکیه بر مدارک علمی و مستند می باشد.

برنامه همایش
((بررسی حوادث سیاسی آذربایجان))

(۱۳۲۵-۱۳۲۰ ش)

۱۵ مرداد ماه ۱۳۸۶

| ساعت | موضوع سخنرانی | سخنران |
|-------------|---|--|
| ۹-۹/۵ | — | تلاوت ابائی از قرآن کریم |
| ۹/۵-۹/۱۵ | گزارشی از شکل گیری همایش | دکتر حسین احمدی دبیر همایش |
| ۹/۱۵-۱۰/۴۰ | جلسه اول | |
| — | رئیس جلسه | آقای دکتر رضا شعبانی <i>استاد دانشگاه</i> |
| ۹/۱۵-۹/۳۵ | اشوبهای آذربایجان در مراحل نخست اشغال | آقای کاوه بیات <i>پژوهشگر ارشد تاریخ معاصر ایران</i> |
| ۹/۳۵-۹/۵۵ | خلخال و فرقه دموکرات | آقای سید مسعود نقیب <i>مدیر سازمان استاد ملی (شمال غرب)</i> |
| ۹/۵۵-۱۰/۱۵ | روند شکل گیری فرقه دموکرات | آقای مسعود عرفقیان <i>پژوهشگر ارشد تاریخ آذربایجان</i> |
| ۱۰/۱۵-۱۰/۳۵ | — | پرسشی و پاسخ |
| ۱۰/۳۵-۱۰/۴۵ | — | پدیرایی |
| ۱۰/۴۵-۱۲ | جلسه دوم | |
| — | رئیس جلسه | آقای دکتر منوچهر مرادی <i>رئیس اداره آسیای مرکزی و قفقاز وزارت خارجه</i> |
| ۱۰/۴۵-۱۱/۵ | مبارزات ملی مردم مرند در برابر فرقه دموکرات | آقای دکتر اسماعیل رفیعیان <i>استاد بازنشسته دانشگاه تبریز</i> |
| ۱۱/۵-۱۱/۳۵ | مرافقه و فرقه دموکرات | آقای مهندس سید مسعود پیمان <i>مدیر موسسه مهد آزادی تبریز</i> |
| ۱۱/۳۵-۱۱/۴۵ | زنجان؛ همسویی اکثریتی نیروهای ملی | آقای دکتر مسعود بیات <i>استاد دانشگاه</i> |
| ۱۱/۴۵-۱۲ | — | پرسشی و پاسخ |
| ۱۲-۱۳/۳۰ | — | نماز و ناهار |
| ۱۳-۱۵/۳۰ | جلسه سوم | |
| — | رئیس جلسه | آقای دکتر اسماعیل رفیعیان <i>استاد بازنشسته دانشگاه تبریز</i> |
| ۱۳/۳-۱۳/۵۰ | تبریز و فرقه دموکرات | آقای ابراهیم ناصحی <i>پژوهشگر ارشد تاریخ</i> |
| ۱۳/۵-۱۴/۱۰ | هسته های مقاومت در ارسباران در مقابل بیگلرگان | آقای حسین دوستی <i>پژوهشگر تاریخ ارسباران</i> |
| ۱۴/۱-۱۴/۳۰ | فعالیت فرقه دموکرات در سراب | آقای اصغر حیدری <i>پژوهشگر ارشد تاریخ آذربایجان</i> |
| ۱۴/۳-۱۴/۴۰ | — | پرسشی و پاسخ |
| ۱۴/۴-۱۵ | — | پدیرایی |
| ۱۵-۱۶/۳۰ | جلسه چهارم | |
| — | رئیس جلسه | آقای دکتر موسی حسانی <i>مدیر پژوهش موسسه مطالعات تاریخ معاصر</i> |
| ۱۵-۱۵/۲۰ | عشایر شاهسونها آذربایجان و فرقه دموکرات | آقای میر نسی عزیزاده <i>کارشناس ارشد تاریخ</i> |
| ۱۵/۲-۱۵/۴۰ | مشکلات فرقه دموکرات در یکسال حکومت بر آذربایجان | آقای دکتر رحیم شهرتی <i>فر مدیر موسسه پژوهشی آذربایجان</i> |
| ۱۵/۴-۱۶ | فرقه دموکرات و تجزیه آذربایجان | آقای محمدرضا فیاد <i>مدیر بنیاد ایران شناسی آذربایجان غربی</i> |
| ۱۶-۱۶/۳۰ | — | پرسشی و پاسخ |

آشوب های آذربایجان در مراحل نخست اشغال؛ پیش در آمدی بر ماجرای فرقه

کاوه بیات *

اگر پیشامد بحران آذربایجان در فاصله پاییز ۱۳۲۴ تا پاییز سال بعد، از بسیاری جهات پدیده ای دور از انتظار بود ولی اینک به یمن پژوهش های جدید و اسناد منتشر شده از تحولات آن دوره، می دانیم که این امر تنها در پی چند سال برنامه ریزی و تدارک سیاسی صورت واقع به خود گرفت. در توضیح بیشتر این ویژگی، یعنی اهمیت تهیه و تدارک گسترده سیاسی هم از لحاظ فراهم آوردن بستر ذهنی لازم - ایجاد حساسیت های قومی و ابداع گفتارهای ترک گرایانه مناسب آن - و هم تعلیم و تربیت کادرهای ضروری برای اجرای چنان برنامه هایی می توان بین یک دوره ابتدایی و اولیه از این نوع تحرکات در شش ماه اول اشغال ایران در نیمه دوم سال ۱۳۲۰ش و مرحله عالی و بعدی آن در پاییز ۱۳۲۴ش مقایسه ای به عمل آورد. در این بررسی به جوانبی چند از تحولات آن شش ماهه نخست که با بروز آشوب ها و طرح گفتارهایی مشابه تحولات پاییز ۱۳۲۴ش بود، پرداخته و آنگاه نکاتی چند نیز در مقایسه آن دو مرحله خاطر نشان خواهد شد.

* پژوهشگر ارشد تاریخ آذربایجان

خلخال و فرقه دموکرات آذربایجان

سید محمد مسعود نقیب *

بعد از شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۱ آذر ۱۳۲۵ دو واقعه مهم در آذربایجان اتفاق افتاد. واقعه اول در آبان ۱۳۲۰ شورش محمد تقی خان امیر احمدی معروف به ((محیش خان)) بود که توسط ((سرگرد یوری تاراسف)) رئیس سازمان جاسوسی شوروی در منطقه اردبیل، مأمور تصرف مناطق خلخال، نمین، آستارا و اردبیل می گردد و قصد داشتند این قسمت از خاک ایران را ضمیمه شوروی کنند.

محیش خان در ابتدا با ۲۰ قبضه مسلسل و ۵۰ قبضه تفنگی که ((سرگرد تاراسف)) به او داده بود به پاسگاه ژاندارمری ((گیوی)) که یکی از بخش های خلخال بود حمله کرده و با کشتن ۱۲ ژاندارم و تصرف پاسگاه و با خلع سلاح نیروهای ژاندارمری و با به دست آوردن ۵۰۰ قبضه تفنگ آماده حمله به شهر خلخال می شود.

ایادی محیش خان با قتل و غارت و کشت و کشتار و تجاوز و تصرف و ایجاد رعب و وحشت، با علما و روحانیون مواجهه شده و در نهایت با حمله قوای دولتی و در نبرد سخت محیش خان با نیروهای دولتی در مرز گیلان و خلخال، این غائله سرکوب می شود و محیش خان نیز به قتل می رسد.

واقعه دوم بعد از پنج سال توسط سید جعفر جوادزاده معروف به پیشه وری بود که در سال ۱۳۲۴ با کمک شوروی و با مرام کمونیستی در منطقه آذربایجان و بخشی از زنجان و گیلان به وقوع می پیوندد.

پیشه وری که خود از اهالی خلخال بود و در سال ۱۲۷۲ شمسی در روستای زاویه سادات متولد شده بود، در سال ۱۲۸۴ به همراه پدر و مادر عازم باکو می شود و در ۲۵ سالگی عضو کمیته مرکزی حزب عدالت و یکی از اعضای پنج نفره بوروی خارجی می گردد.

* پژوهشگر تاریخ و فرهنگ خلخال، رئیس سازمان اسناد ملی مدیریت شمال غرب کشور.

وی در اردیبهشت ۱۲۹۹ در جریان جنگ ارتش سرخ با روس‌های سفید، وارد ایران می‌شود و اولین کنگره حزب کمونیستی ایران را در بندر انزلی تشکیل می‌دهد و یکی از چهار عضو اصلی حزب می‌شود، و دومین کنگره را نیز در سال ۱۳۰۶ شمسی در شهر ((رستوف)) در نزدیکی مسکو معروف به کنگره ارومیه برگزار می‌کند و بالاخره بعد از فراز و نشیب‌های بسیار، در نهایت دستگیر و مدتی در حبس و تبعید در تهران و کاشان به سر می‌برد. بعد از آزادی از حبس و تبعید در ۲۱ مرداد ۱۳۲۴ فرقه دموکرات آذربایجان را تشکیل می‌دهد و در ۲۱ آذر همان سال حکومت خود مختار فرقه را ایجاد می‌کند و بعد از یک سال در پی شکست فرقه به باکو فرار می‌کند.

با این که خلخال محل تولد پیشه‌وری بود و انتظار می‌رفت که مردم از روی تعصب همشهری بودن با او همکاری کنند، اما بر عکس، مردم خلخال خصوصاً متنفذین و به ویژه علما و روحانیت بنای مخالفت گذاشته، حتی در بعضی از مواقع به مبارزه با پیشه‌وری بر می‌خیزند.

اسناد و آثار و دست‌نوشته‌های مانده از آن تاریخ به صورت نظم و نثر، گویای عدم همکاری و تنفر و مبارزه مردم با این فرقه می‌باشد.

واقعه اول که ذکر شد به ((توده لیغ)) یعنی غائله توده ای و واقعه دوم به ((دموکرات لیغ)) یعنی غائله دموکرات‌ها در تاریخ خلخال معروف است. سعی ما در این مقاله بر این است تا زوایای ناگفته و ناشنیده از وقایع خلخال را به رشته تحریر در آوریم .

ایجاد بسترهای مناسب جهت تشکیل فرقهٔ دموکرات آذربایجان

مسعود عرفانیان *

اگرچه اعلام موجودیت و تأسیس فرقهٔ دموکرات آذربایجان در سال ۱۳۲۴ش در یک بیانیه به آگاهی همگان رسید، اما زمینه‌های پیدایش و بستر ایجاد آن با اهدافی ویژه، به چند سال پیشتر از این تاریخ بازمی‌گردد. همراه با توسعه طلبی مقامات شوروی سابق و تمایلات شووینستی و الحاق گرایانهٔ رهبران حزب کمونیست آذربایجان شوروی، روند شکل‌گیری فرقهٔ دموکرات آذربایجان قوت گرفت و آنان با برپایی و همراهی این جریان سعی در دادن پوشش ملی و مردمی به آن و نشان دادن مستقل بودنش داشتند.

تا پیش از انتشار کتاب‌های جمیل حسنلی اظهار نظرها در این باره بیشتر برپایهٔ گفته‌ها و شنیده‌ها بود، اما استفادهٔ او از اسناد و مدارکی که تا سال ۱۹۹۷ کاملاً محرمانه بوده‌اند، زوایای تاریک و مبهم این رویداد را کاملاً روشن نمود و امکان داوری مستدل و مستند در این زمینه را ممکن ساخت.

در این گفتار با نگاهی به نوشته‌های حسنلی به ویژه یکی دیگر از آثار او در این باره که هنوز به فارسی برگردانده نشده و تعداد دیگری از منابع و مآخذ، کوشش شده گزارشی از روند تشکیل فرقهٔ دموکرات آذربایجان ارائه گردد.

* پژوهشگر ارشد تاریخ آذربایجان.

زنجان ، همسویی اکثریتی با نیروهای ملی در بحران آذربایجان

دکتر مسعود بیات *

گر چه استیلای علنی دموکرات ها بر شهرستان زنجان در سال ۱۳۲۴ش به وقوع پیوست ولی مردم این شهر از حدود سه سال پیش از آن با اهداف و آرمان های این گروه سیاسی دست نشانده آشنا بودند. به این معنی که در سال ۱۳۲۱ ش با تاسیس اولین شعبه حزب توده در زنجان ، آنان شروع به طرح مسائلی کردند که پس از گذشت سه سال همه آنها توسط فرقه ای ها مطرح شد.

بنابراین برای مردم بر خلاف نحوه تاسیس فرقه دموکرات آذربایجان، شعارها و آرمان های آنان خلق الساعه نبود در نتیجه موضع گیری اکثریت مردم در مقابل فرقه ای ها مبتنی بر همان شناختی بود که پیشتر از شعارها و عملکردهای حزب توده مشاهده کرده بودند. همچنین آنان در مورخه ۱۳۲۴/۶/۱۲ به چشم خود دیدند که چگونه به یکباره حزب توده در عرض یک ساعت عضو فرقه دموکرات آذربایجان گشته برای مدتی نام حزب توده را فراموش کردند، به این ترتیب که در روز مذکور خسرو دارائی، رحمت الله جواهری و نصرت الله جهان شاه لو از رهبران حزب توده زنجان در چهار راه پهلوی در حضور ۶۰۰ نفر از اعضای حزب توده میتینگی برگزار کرده و خبر تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان و عضویت خود و هم مسلکان خود را در آن اعلام کردند.

طبقات مختلف مردم زنجان در طول این سال ها هرکدام به نوعی از عملکرد طرفداران مرام اشتراکی ناراضی بوده و به طرف مجموعه دولت مرکزی کشیده شدند. در این مقاله کوشش خواهد شد زمینه ها و علل این موضع گیری ها به درستی و با اتکاء به اسناد دست اول بیان شود.

* استاد یار گروه تاریخ دانشگاه ارومیه .

اولین گروه مخالف دموکرات ها در زنجان طیف مالکین و زمینداران بودند این گروه از مالکین به طور عمده شامل خاندان های زیر بودند: ذوالفقاری ها ، اعتماد امینی ها ، ضیایی ها، افشارها و بیگدلوها. عواملی که به این دشمنی منجر می شد به تحریکات توده ای ها و دموکرات ها مبنی بر برخورداری زارعین از پرداخت بهره مالکانه و تقسیم زمین های این گروه در برخی روستاها بین کشاورزان توسط دموکرات ها بر می گشت. دموکرات ها و توده ای ها اصولاً مالکیت خصوصی را قبول نداشتند و حملات متعدد کلامی نیز در میتینگ های خود علیه مالکین ابراز می داشتند و این به نگرانی های بیشتر این گروه می افزود.

مالکین مبارزات خود را علیه دموکرات ها را در قالب چند بخش به شرح زیر سازماندهی کردند:

۱. تشکیل شعبه فرقه دموکرات ایران وابسته به سید ضیاء الدین طباطبایی و عضو گیری برای آن.
۲. فرستادن نامه های متعدد به حکومت مرکزی و گزارش اقدامات تحریک آمیز توده ای ها و یاد آوری لزوم ممانعت آنان .
۳. تحصن های مختلف در مسجد یا فرمانداری بر علیه طرفداران مرام اشتراکی .
۴. شرکت در نشست های متعدد با مجموعه دولت و بررسی ساز و کارهای مقابله با این گروه.
۵. اقدام نظامی و درگیری مستقیم با توده ای های اولیه و دموکرات های بعدی .

روحانیون گروه مخالف دیگری بودند که از عقاید سکولار توده ای ها و برخی اقدامات آنان چون عدم اعتقاد به مالکیت انتقاد داشتند و در نتیجه از همان ابتدا در مقابل آنان قرار گرفتند. طرفداران مرام اشتراکی خیلی زود فهمیدند که در صورت افشای ماهیت واقعی عقایدشان، قادر به توسعه تشکیلات خود در جامعه مذهبی زنجان نخواهند شد. بنابراین از آن پس همواره به مناسبت های گوناگون تلاش می کردند بر اعتقاد خود به قرآن

کریم، پیامبر اکرم (صلوات الله علیه) و جانشینان بر حق ایشان پافشاری کنند. با این وجود روحانیت زنجان گرفتار فریب این حرکت سیاسی نشد و از همراهی حداقلی با آنان نیز خودداری کرد، به طوری که آنان در زمانی که جهت توجیه اقدام خود برای تقسیم زمین های مالکین در صدد اعزام مبلغینی به روستاها برآمدند حتی یک روحانی زنجانی نیز بدین منظور اعلام آمادگی ننمود و سرانجام آنان از تبریز فقط یک نفر را توانستند متقاعد کرده و به زنجان آورند. روحانیون همچنین در زمان بازگشت ذوالفقاری به خانه خود بعد از پیروزی نیروهای مرکزی، استقبال گرمی از او کردند آنان در سخنرانی خود دموکرات را زنادقه خوانده پیروزی ملیون را از برکات نهضت حسینی که اتفاقاً مصادف با ماه محرم نیز بود _ محسوب داشتند.

_ کشاورزان نیز علیرغم آنکه در هجمه تبلیغات دموکرات ها قرار داشتند اقبال چندانی به وعده ها و اقدامات آنان نشان ندادند. این بی علاقهگی از چند عامل ناشی می شد. نخست اینکه اقدام فرقه ای ها مبنی بر نادیده گرفتن مالکیت با آموزه های دینی آنان سنخیت نداشت به طوری که در مواردی مشاهده می شد که کشاورزان سهم ناشی از توزیع انبار گندم اربابان خود را شبانه به انبار ارباب برگردانده و تصرف در آن را حرام می شمردند. دیگر این که شوروی ها به عنوان حامیان دموکرات ها در روستاها به غارت اموال مردم و حتی تجاوز به نوامیس آنان اقدام می کردند و همین مسأله به افزایش ذهنیت منفی کشاورزان به دموکرات ها به عنوان دست نشانده های آنان کمک می کرد.

_ بازرگانان و کسبه نیز به چند جهت در مقابل طرفداران مرام اشتراکی قرار داشتند: اول اینکه دموکرات متاثر از افکار کمونیستی مخالف سرمایه داری بوده و آنان را استثمار کننده طبقه کارگر محسوب می کردند و از نظر این طبقات مذکور جزو طبقه سرمایه دار محسوب می شدند.

این اعتقاد به وضوح از تلاش بعدی حزب توده جهت درست کردن ادعاهای اولیه با طرح عدم مخالفت آنان با سرمایه داری جهت کسب رضایت این طبقه کاملاً آشکار است. دوم اینکه طرفداران مرام اشتراکی با برگزاری میتینگ ها و به تعطیلی کشاندن کارگران کارخانه های موجود و برخی درگیری های

سیاسی و محلی نظم و امنیت شهر را برهم می زدند و این به معنی رکود کسب و کار این طبقه بود. مسأله امنیت از نظر این طبقه به اندازه ای مهم بود که آنان در وقت انحلال شهربانی زنجان توسط روس ها از خود جهت تشکیل مجدد شهربانی نیرو استخدام کردند.

_ فرقه ای ها سرانجام در زمان استیلاي خود بر زنجان تعدادی از افراد این طبقه را دستگیر و بعضی را اعدام کردند. جرم این افراد مخالفت با مرام کمونیستی و همکاری با دولت مرکزی ایران علیه دموکرات ها عنوان شد. همچنین توده ای ها قبل از اشغال شهر، در تهدید به قتل یا غارت اموال برخی از تجار شهر نظیر اسدالله ایازی، اکبر شهلايي، قماشچی و صدیقیان نقش مستقیم داشتند. بازاریان در مخالفت با فرقه ای ها و در یک اقدام هماهنگ از به کاربردن پول ابداعي دموکرات ها به جای پول ملی خودداری کردند.

علاوه بر بازرگانان و اعیان دیگر شهر مردم عادی نیز از تسلط روس ها و عوامل آنان راضی نبودند. زیرا نه تنها به اموال مردم دست درازی می کردند بلکه به علت مصرف آذوقه استان و یا ارسال آن به نیروهای موجود شوروی در قزوین موجب ایجاد قحطی های مصنوعی در شهر می شدند و این زندگی عادی مردم را مختل می کرد همچنین آنان از برگزاری میتینگ های توده ای ها و تهدیدهای آنان متنفر بودند به طوری که در زمان استیلاي دموکرات ها در زنجان، دکتر جهان شاه لو برگزاری میتینگ را به علت اینکه موجب تنفر و در نتیجه دوری اهالی از حزب توده می گردد ممنوع کرد. همچنین مردم از پذیرش مطلق تغییر اسامی فارسی اماکن به ترکی توسط دموکرات ها خودداری کردند به گونه ای که بر اساس گزارش های موجود معمولاً تابلوها دو طرفه بود که در دو روی آن به ترکی و فارسی اسامی نوشته شده بود و روی ترکی تابلوها فقط در وقت نظارت دموکرات ها نصب می شد.

مراغه و فرقه دموکرات آذربایجان

* مهندس سید مسعود پیمان

وقایع سال های ۲۵ - ۱۳۲۴ آذربایجان و استقرار حکومت دموکرات ها در این منطقه با وجود گذشت بیش از شصت سال هنوز به عنوان یک جریان تاریخ ساز در ایران و بلکه در سطح جهانی محسوب می شود به نحوی که حتی در سال های اخیر، مطالب بسیاری از کتاب های پر فروش، مربوط به مقالات و کارهای تحقیقاتی است که در زمینه علل بروز این واقعه و سقوط به ظاهر زود هنگام آن می باشد.

در مورد علل شکل گیری و موفقیت برق آسای میرجعفر پیشه وری و همدستانش، پژوهشگران تقریباً متفق القول هستند و آراء مشابهی ابراز می دارند از جمله اجحاف و بی عدالتی در سیستم حکومتی ایران، نابسامانی ها و تنگناهای اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم در کشور و حمایت گسترده نظامی، سیاسی و مالی فرقه دموکرات از سوی دولت اتحاد جماهیر شوروی را ذکر می کنند.

اما به نظر می رسد در مورد زمینه ها و دلایل سقوط و اضمحلال فرقه دموکرات صاحب نظران مسائل سیاسی به نتیجه واحدی دست نیافته اند. گروهی آن را نتیجه تهدید جدی دولت آمریکا مبنی بر حمله نظامی و حتی استفاده از بمب اتمی در صورت ادامه حمایت شوروی ها از پیشه وری می دانند. گروه دیگری آن را مربوط به تشست آراء و اختلاف نظر در کادر رهبری اتحاد شوروی به ویژه میرجعفر باقراف نخست وزیر جمهوری خود مختار آذربایجان و مولوتف یار و مشاور نزدیک استالین قلمداد می کنند. و جمعی این رویداد شگفت انگیز را نتیجه درایت و بازی ماهرانه سیاسی احمد قوام نخست وزیر ایران که با وعده اعطای امتیاز نفت شمال و مامشات با

* مدیر موسسه مهد آزادی .

حزب توده و سایر گروه های سیاسی چپ، رهبران کرملمین را اغفال کرد می دانند.

هرچند مجموع این عوامل در شکست حکومت پیشه وری و فرقه دموکرات با درجاتی از شدت و ضعف کارساز بوده اند اما از یک عامل مهم و واقعیت انکار ناپذیر که مورد توجه کافی کارشناسان قرار نگرفته؛ «عدم اقبال عمومی مردم آذربایجان از حکومت دموکرات ها» می باشد، کمتر سخن به میان می آید. تازه اگر عده ای هم در بررسی ها و مقالات خود به این نتیجه رسیده باشند درک روشنی از همه مسائل نداشته و تنها به عواملی از قبیل وضعیت بد معیشتی مردم و یا صرفاً احساسات میهن پرستانه آذربایجانی ها اشاره می کنند و خواسته یا نخواستہ به نقش تعیین کننده اعتقادات دینی و دلبستگی مردم مسلمان این خطه به مبانی مذهبسی توجه کافی نمی کنند. درحالی که برای اثبات این امر که بیش از سایر عوامل درحرکات آزادیخواهانه مردم سبلان آذربایجان موثر بوده دلایل و شواهد زیادی می توان شمرد که در این مقاله به عنوان نمونه، مبارزات مرحوم سید اسماعیل پیمان ذکر می گردد.

مرحوم پیمان از روحانیون سرشناس مراغه بود که در زمان سلطنت رضا شاه خلع لباس گردید و به ناچار سنگر مبارزه خود را از مسجد به کتابفروشی خود در مراغه تغییر داده بود و در همان شهر به فعالیت های مذهبی، حتی درحضور نظامیان اشغالگر شوروی پرداخت و سپس مجالس بحث و سخنرانی در رد آراء انحرافی احمد کسروی ترتیب می دهد به طوری که یک بار کسروی خود به دیدار مرحوم پیمان در مراغه رفت و مباحثه جانانه ای در تفسیر ((لولاک لما خلقت الافلاک)) بین آن دو درگرفت.

ژنرال کبیری از سران حکومت دموکرات در مراغه که به نفوذ کلام مرحوم پیمان در بین مردم مراغه آگاهی داشت برای جذب وی به بدنه فرقه دموکرات ابتدا از در مسالمت وارد شد اما چون نتیجه نگرفت به خشونت و شدت عمل متوسل گردید، از جمله اموال آن مرحوم را مصادره کرد و خود او را بازداشت و به زندان انفرادی روستای خوشه مهر مراغه منتقل نمود.

کبیری به خیال اینکه وضعیت سخت زندان، سید اسماعیل پیمان را تنبیه کرده باشد، شخصاً برای دیدن وی به خوشه مهر رفت اما با بی‌اعتنایی و پایمردی مرحوم پیمان مواجه شد تا اینکه تصمیم به قتل و ترور او گرفت، که به علت فرار معجزه آسای مرحوم پیمان در مسیر انتقال به تبریز این توطئه ناکام ماند.

چنانچه در جزئیات این وقایع خواهد آمد عامل عمده و شاید تنها انگیزه مرحوم پیمان در طول مبارزاتش، اعتقادات شدید مذهبی وی بوده که اینک بعد از فرار سران فرقه دموکرات مامورین محمدرضا شاه که ظاهراً برای جبران خسارات مالی چهره‌های سرشناس و آسیب دیده مخالف فرقه دموکرات به تبریز آمده بودند به مرحوم پیمان پیشنهاد استرداد اموالش را می‌کنند اما وی به تأسی از اعتقادات دینی خود در وضعیتی که شدیداً از تنگدستی و فقر مطلق رنج می‌برد پیشنهاد کمک شاهانه را رد می‌کند و به تبعیت از اجداد پاکش سالیان دراز و تا پایان عمر اوضاع نامساعد مالی را صبورانه به عنوان یکی از مظاهر مبارزات خود پذیرا می‌شود.

مبارزات ملی مردم مرنند در برابر فرقه دموکرات آذربایجان

دکتر اسماعیل رفیعیان *

بحث از وقایع ۱۳۲۰ تا ۲۵ است که متأسفانه تبعاتش هنوز هم ادامه دارد. اگر چه مصائبی که در طول تاریخ از حمله و هجوم دو همسایه شمال و جنوب روس ها و انگلیسیان و عمله و اکره آنان اشک چشم مان را پاک نکرده گرفتار مصیبت دیگری شده ایم لیکن در حملات قبلی حمیت ایرانی او را وادار می کرد مقابله کند و بجنگد که آخیش به قرارداد ننگین ترکمانچای انجامید که هنوز چشم به راه هستیم.

مرحوم شهید مطهری می نویسد: ((ایران در میان دو لبه یک قیچی قرار گرفته است (روس و انگلیس) که هر دو مطامعی در ایران داشتند و دارند)) پطر کبیر هم قضیه دسترسی به دریای آزاد را به زعم خود این چنین حل کرده بود که برای رسیدن به دریای آزاد باید ایران را زیر پا بگذاریم؛ چه خواب خوش خیالانه ای. از یک طرف هم مواهب الهی معادن مختلفی به خصوص نفت و گاز ارزانی جنوب کشور کرده است به طور کلی هر دو قدرت در ایران عزیز مطامعی داشتند، لذا همیشه مزاحمت ایجاد می کردند.

جنگ های روس با ایران قسمت دردناک تاریخ ایران است؛ انگلیس نیز از روس ها کم نمی آورد. در قلمرو ایران مستمراً تحریکات می کردند که یک مورد آن که با تحریک و مداخله مستقیم انگلستان محاصره هرات بود که فوج مرحوم حاج احمد خان میرپنج مرنندی با فوج خود به افغانستان می رود و با انگلستان و ایادی آنان دلیرانه می جنگد.

و اما حمله اخیر شهریور ماه ۱۳۲۰؛ سپیده دم روز دوشنبه که هنوز هفت دهه از آن گذشته است اتحاد جماهیر شوروی همزمان با انگلیس و امریکا یعنی آب و آتش با هم می سازند به اصطلاح! دو کشور سرمایه داری و

* دکترای ادبیات فارسی و استاد بازنشسته دانشگاه تبریز.

سوسیالیستی با هم یکی شدند و کشور بی طرفی را اشغال کردند. روس ها (اتحاد جماهیر شوروی) که در مقابل محور یا متحدین (آلمان و ایتالیا و ژاپن) برای اینکه جلو پیشرفت آلمان را در اروپا به خصوص در روسیه بگیرند یک ماه مهلت دادند. مدت یک ماهه به سرآمد. صبح روز دوشنبه سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ از سوی مرزها شمال و غرب و جنوب حمله ناجوانمردانه به یک کشور بی طرف شروع شد. در آذربایجان وقتی ایرانیان مقیم روسیه که تابعیت کمونیست ها را نپذیرفته بودند _ در چند جمهوری خود مختار که ایرانی ها ساکن آنها بودند _ اخراج کردند ، تعدادی جاسوس نیز لابه لای آنان به ایران اعزام کردند که بعد از هجوم به ایران جاسوس ها در کسوت کاسبی مثلاً دستفروشی و یا واکسی... مشغول بودند که فردای حمله به ایران شغل اصلی جاسوس ها معلوم شد، مثلاً یکی که در خیابان اصلی تبریز جلو پاساژ بساط واکسی گسترده بود سرگرد از آب در آمد. نامردمی ها توأم با تحریکات سیاسی شروع شد کشتی های اقیانوس پیما پس از طی اقیانوس ها در سواحل جنوبی ایران در بنادر دریای عمان و خلیج فارس لنگر می انداختند، جرثقیل ، کامیون های پر از غذا و کنسرو و اسلحه مدرن را از همه نوع به ساحل خشکی خالی می کردند و رانندگان نا آشنا که در دو و یا سه نقطه کشور به داوطلبانی که فقط یک ماه تعلیم دیده بودند تحویل می شد و از جنوب به سمت شمال به سوی مرز جلفا راه می افتادند. اگر گفته شود از جنوب به شمال تا شهر جلفا کامیون ها آن چنان پشت سر هم حرکت می کردند؛ اگر تشبیه شود به قطاری که طولش از جنوب تا شمال بود تشبیه نامناسبی نیست. قشون اشغالگر هرچه اشغالگران اراده می کردند ستون پنجم داخلی آماده کمک و راهنمایی برای آزار و اذیت کسانی بود. که دستشان به دهانشان می رسید و دلشان از اشغالگران پر از خون بود می کردند و با فوت و فن هایی از قبیل فلان آدم سکه طلا دارد شبانه از پشت بام سربازها را با سلاح وارد منازل می کردند.

یک لحظه به این شبیخون وحشتناک بیندیشید و ببینید چه وقتی و به چه منظوری برای صاحبخانه مهمان های خود خوانده با بیشمردمی وارد

می شدند. البته بحث این است، همیشه در کمین مهمان های ناخوانده هستیم و آن ها از شمال و جنوب و غرب و شرق برای نیل به اهداف پلیدشان همیشه خبیثانه تلاش می کنند.

با یک مقایسه ساده روشن می دارد اصطلاح آذربایجان قهرمان سر ایران است؛ خواننده را از اینکه به جنگ های روس - ایران و عثمانی - ایران بپردازد الویت نمی دهد بلکه برای اینکه ماهیت همسایگان متجاوز و اغراض آنها را بهتر بشناسید مراتب زیر را می آوریم و از لحاظ زمانی مبدأ سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ شمسی را انتخاب می کنیم.

• کشور عزیزمان در ببحوجه جنگ جهانی دوم توسط انگلیس و روس و امریکا اشغال می شود؛ درست است که تمام سرزمین پهناور کشور ایران دستخوش پیامدهای ناشی از اشغال می گردد، لیکن آذربایجان مستقیماً زیر چکمه های سالدات های روس لگدمال می شود و قوای اشغالگر از هیچ جنایتی با همدستی ستون پنجم داخلی فروگذار نمی کنند.

• حدوداً در نیمه های سال ۱۳۲۲ دو سال بعد از اشغال، جنایتکاری به نام آقایف پاسگاه مرزی ایران در سیه رود را خلع سلاح کرد و به جنایاتی دست زد که زبان از ذکر آنها شرم دارد. قصد اصلی او با پشتیبانی قوای اشغالگر تأسیس حکومت خودمتر بود و چون عملاً متوجه شدند تمام شرایط جمع نبود با اظهار این عبارت که: ((هنوز میوه نرسیده است به موقع چیدنش می ماند)) از مرز عقب نشینی و به داخل خاک همسایه شمالی بر می گردد.

علاوه بر این ارتش سرخ شوروی پس از اشغال شمال ایران در شهریور ۱۳۲۰ به کمک عوامل خود که در سال های گذشته تحت عنوان مهاجر راهی ایران کرده بود با اعزام گروه های فرهنگی، امنیتی و سیاسی فعالیت های گسترده ای را برای تجزیه ایران شروع کرد. علاوه بر ایجاد و تقویت حزب توده با تشکیل انجمن فرهنگی ایران و شوروی به اجرای برنامه های از پیش طراحی شده با رویکرد فرهنگی و تبلیغی مشغول شدند. با شروع فعالیت حزب توده و انجمن فرهنگی ایران و شوروی در مرنند مبارزات ملی و مذهبی

علیه آن آغاز گردید . شهید حجت الاسلام شیخ محمدحسن رفیعیان، پدرم، از جمله کسانی بود که علنی به مخالفت با بیگانگان روسی و عوامل آنها پرداخت . تحت تأثیر وی اینجانب و عده ای دیگر مبارزه با حزب توده و عوامل ارتش سرخ را شروع کردیم.

از آنجا که اشغالگران بر آن بودند با قتل و جنایت سلطه عوامل وابسته به خود را مستحکم نمایند پدرم و عده ای دیگر از رجال ایراندوست مرنده به دست تروریست های تعلیم دیده فرقه دموکرات به شهادت رسیدند. ترورها با شهادت وی آغاز گردید و به شهادت عده ای دیگر از مردان وطن پرست مرنده ادامه یافت. از رجال ایراندوستی که طی این دوره تاریک به شهادت رسیدند می توان به اسامی زیر اشاره کرد: سید عبدالله محیط رئیس دادگاه مرنده که مردی مردمدار بود. شاهزاده ابوالخیر میرزا رئیس پست و تلگراف مرنده، حبیب الله هوجقانی و کربلایی باقرلیواری. حبیب الله هوجقانی به همراه پسران جوان و برادر و عموزاده اش به این گناه به شهادت رسیدند که حبیب الله به دفاع از ناموس یک زن ایرانی در مقابل افسر بیگانه روسی برخاسته و سیلی محکمی به گوش آن افسر بیگانه نواخته بود.

در آن ایام مرنده به قتلگاه فرقه دموکرات معروف شده بود زیرا کسانی را که به هر علت با فرقه دموکرات به مخالفت برخاسته بودند دستگیر و جهت محاکمه و اعدام به مرنده اعزام می کردند. پس از ترور ناجوانمردانه پدرم به خاطر فعالیت هایم قرار بود من را هم ترور کنند که مخفیانه راهی تهران شدم و در تهران در کنار مبارزان آذربایجان به فعالیت مشغول شدم .

تبریز و فرقه دموکرات آذربایجان

ابراهیم ناصحی *

تشکیل و سپس اضمحلال فرقه دموکرات آذربایجان گامی در راه تحقیق و صیایای پطرکبیر بود. ارتش سرخ شوروی پس از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ فرصت یافت اهداف تاریخی خود در مورد ایران را عملی سازد. ضمن اینکه باتمهیدات قبلی شوروی، تعداد قابل توجهی جاسوس به همراه مهاجران به داخل ایران فرستاده بود، این جاسوسها همچون غلام یحیی نقش مهمی در عملی شدن برنامه های ارتش سرخ ایفا کردند.

استالین با اهرم هایی چون حزب توده دولت ایران را تحت فشار گذاشته بود تا امتیاز نفت شمال را به دست آورد. وقتی از حصول نتیجه نا امید گردید طی دستوری باقراف را مامور اجرای نقشه تجزیه آذربایجان و الحاق آن به شوروی گردانید. در این مقطع سید جعفر پیشه وری با توجه به ویژگی هایی که داشت برای ریاست فرقه دموکرات انتخاب گردید .

شوروی از یک طرف با ارسال سلاح به فرقه دموکرات آن را مسلح نمود و از طرف دیگر ارتش سرخ، نیروهای نظامی ایران را از هرگونه اقدام در مقابل فرقه دموکرات باز می داشت . فرقه دموکرات هم با هجوم به پادگانها در اندک زمانی بر آذربایجان مسلط گردید.

فرقه دموکرات در دوره یکساله تسلط خود اقداماتی چون ایجاد ایستگاه رادیویی و آسفالت خیابانها در آذربایجان انجام داد که با توجه به ماهیت این تشکیلات اقدامات فرقه دموکرات در حقیقت اجرای دستورات صادر شده توسط شوروی ها بود.

ناگفته نماند در مورد فرقه در برخی منابع اطلاعات غلط و اغراق آمیزی وجود دارد از آن جمله آنچه ارتشبد فردوست در مورد مشاهدات خود در

* کارشناس ارشد تاریخ و محقق و پژوهشگر تاریخ معاصر آذربایجان .

تبریز تحت عنوان «تعقیب طرفداران پیشه‌وری» نقل کرده که با مشاهدات نگارنده در آن ایام کاملاً مغایر است.

هسته های مقاومت در ارسباران در مقابل بیگانگان (۱۳۲۰-۱۳۲۵ش)

حسین دوستی*

سوم شهریور ۱۳۲۰ش برای ارسباران، روزی ناخرسند و نشدنی فراموش است. روس ها از پل خدا آفرین گذشته و از راه کلیبر، خود را به اهر رسانده و از آنجا در نقاط دیگر پراکنده شدند. صبح سوم شهریور، صدای هواپیماهای سیاه رنگ روسی مردم اهر را از خواب بیدار کرد. هواپیماها شروع به بمباران خانه ها کردند. مردم، دسته دسته زیر آوارها و در آتش بمب ها سوختند. مردم، ناچاراً به باغ های جنوب شهر پناه بردند، ولی هواپیماها همان باغ ها را نیز هدف قرار دادند و حدود نود نفر از اهالی کشته شدند. خانه های مردم غارت شد و کودکان در مقابل مادرانشان کشته شدند. شهر به تصرف نیروهای شوروی درآمد و سواران و تفنگداران روسی در شهر مستقر شدند و مسجد صاحب الامر را اصطبل اسبهای خود کردند.

به این ترتیب همه شهرهای ارسباران (اهر، کلیبر، خدا آفرین، و رزقان) به تصرف روس ها درآمد و بعد از استقرار نیروهای روسی، اقدامات نظامی و سیاسی نیز انجام گرفت. تشکیلات حزب توده و جمععات آموزش های کمونیستی و تهدید و ارباب مردم و مخالفین اشغالگری شروع شد، اما ارسباران که در هیچ برهه از تاریخ، یوغ رقیبت بیگانگان و اشغالگران را نپذیرفته، در این سالها نیز به مقابله با دشمن برخاست و مردان غیرتمندش با تشکیل هسته های مقاومت به مبارزه با روس های متجاوز پرداختند.

حضرت آیه الله العظمی حاج سید کاظم طباطبائی کوه کمری اهری معروف به مجتهد اهری، حزبی به نام ((حزب اسلامی)) در اهر تأسیس کرد و با بسیج جمعی از مردم اهر و عشایر منطقه، در مقابل اهداف روس

* محقق و پژوهشگر تاریخ و فرهنگ ارسباران .

ها و احزاب وابسته آنان ایستاد و تن به سازش نداد. آخوند اف عامل روس ها با انتشار شایعات و تهمت ها ، سعی در بد نام کردن و شکست دادن مجتهد کرد ولیکن، مجتهد شجاع اهری، با استقامت به مبارزاتش ادامه داد. _عبدالله خان محمد خانلو، رئیس ایل محمد خانلوی قراجه داغ (ارسباران) که از سالها پیش در نوار مرزی کناره های رود ارس با روس ها می جنگید در سالهای اشغال (۲۵- ۱۳۲۰) با سواران مسلح خود، روزگار روس ها را سیاه کرده و در جنگ های متعددی آنان را به زانو درآورده بود، لیکن در سال ۱۳۲۴ش که فرقهٔ دموکرات به ریاست پیشه وری بر سرکار آمد، روس ها، عرصه را بر عبدالله خان تنگ تر کردند و بعد از انواع تهدیدها و تطمیع ها ، در یکی از درگیری ها بعد از زخمی شدن ، به اسارت فرقهٔ دموکرات درآمد و در اهر توسط عمال فرقه اعدام می شد.

_سید صمدخان سید احمدی ، بزرگ ایل حسنبگلو ، سومین فرد غیرتمندی بود که در منطقه حسن آباد ارسباران، در پی اتحاد با عبدالله خان محمد خانلو ، به مبارزه با روس ها پرداخته و با افراد مسلح ایل خود، سال ها و ماه ها با اشغالگران جنگیده است. میر صمدخان که مدتی نیز در کسوت روحانیت بوده و سجع مهر وی ((صمدبن صمدالحسینی)) بوده ، در سال ۱۳۲۴ش توسط قشون فرقهٔ دموکرات پیشه وری به فرماندهی ژنرال های روسی، دستگیر شده و در تبریز به همراه پسر و جمعی از بستگانش به طرز فجیعی به قتل رسیده اند.

روس ها با این همه اقدامات ضد انسانی و بنابر توطئه های عدیده نتوانستند آذربایجان عزیز را از پیکرهٔ ایران اسلامی جدا نمایند و سرانجام تلاشهای مبارزان مسلمان آذربایجان، به ثمر رسید و دشمن خانه زاد (فرقهٔ دموکرات پیشه وری) را، همت غیرتمندان و نالهٔ ستم کشیدگان ، درهم شکست و با فروپاشی فرقهٔ دموکرات و فرار ردیلانۀ رهبران آن، آذربایجان به دامن میهن ایران برگشت .

فعالیت فرقهٔ دموکرات آذربایجان در شهرستان سراب

اصغر حیدری *

همزمان با حاکمیت فرقهٔ دموکرات به ریاست پیشه‌وری در تبریز، فعالان فرقه در شهرستان سراب نیز با سلاح‌های روسی، به محدودهٔ اداره‌های دولتی در شهر حمله کرده، آنها را تصرف نمودند. بخش زیادی از این سلاح‌ها به صورت محرمانه چند روز قبل توسط هواپیماهای روسی در منطقه‌ای به نام آغ داغ (تپه سفید) بیرون شهر ریخته شده بود.

تصرف مراکز دولتی بدون درگیری نظامی نکته قابل‌ذکری است، اما اعضای مسلح فرقه در حمله به مقر ژاندارمری شهر مواجه با مقاومت شدید شدند. درگیری شدید تا اذان صبح ادامه یافت و با اتمام مهمات ژاندارمری‌ها و آتش زدن طویل‌اسب‌های ژاندارمری، چند تن کشته و بقیه به اسارت درآمدند و در روستایی به نام مهین سیم کش تیر باران شدند. قتل عام ناجوانمردانه این اسرا بازتاب گسترده‌ای در منابع تاریخی این دوره یافته است.

به حکم رؤسای فرقه در سراب چند تن از مرفهین و ارباب‌های دهات شهر، به نام مبارزه با سرمایه‌داری و حذف خان‌خانی به دار آویخته شدند. فرقه با تحریک حس قومگرایی و بزرگ کردن عقب‌ماندگی اجتماعی-اقتصادی منطقه به عضوگیری و گسترش نیروی نظامی خود پرداخت و چند تن از مأموران خشن آن، اغلب به ضرب و شتم مردم و باج‌گیری از متمولین شهر می‌پرداختند. از حوادث مهم سراب در این دورهٔ یکساله قتل و غارت خان روستای آردالان می‌باشد. در جریان این حادثه شخص غلام یحیی رهبر فدائیان فرقه دموکرات رهبری عملیات را بر عهده داشت. ضمن اینکه فرقه

* کارشناس ارشد ایران‌شناسی و محقق و پژوهشگر تاریخ .

دموکرات روستاهای اطراف سراب را مجبور کرده بود برای این عملیات افرادی را اعزام کنند.

اسامی اداره ها، مغازه ها، مدارس و نیز کتابهای درسی به زبان ترکی برگردانده شد و اکنون چند مورد از کارنامه های تحصیلی صادره در یک سال حاکمیت فرقه، به زبان ترکی و مربوط به شهر سراب موجود است. تقریباً هر هفته توسط اعضای فرقه میتینگ و راهپیمایی در خیابانهای اصلی شهر با هدف قدرت نمایی و جذب مردم صورت می گرفت. سرابی بودن فرمانده ارشد نظامی فرقه دموکرات یعنی غلام یحیی دانشیان بر حساسیت موقعیت شهر در سیاست گذاری و تبلیغات فرقه می افزود. با شکست فرقه و فرار اعضای آن، شهر سراب نیز آزاد شد و بعضی از افراد شورور فرقه که نگریخته بودند توسط مردم به قتل رسیدند. تعداد قابل توجهی از افراد نظامی فرقه به دستور رؤسای خود به شوروی سابق - آذربایجان شوروی - پناهنده شدند بنابراین (با ازدواج یا زاد و ولد) اکنون پس از شش دهه تعدادی از مردم شهر و روستاهای حومه سراب فامیل و بستگانی در شهرهای جمهوری آذربایجان دارند.

مبارزه عشایر شاهسون آذربایجان با عناصر فرقه دموکرات و نیروهای شوروی (شهریور ۱۳۲۰ تا آذر ۱۳۲۵)

میرنبی عزیز زاده *

سحرگاه ۲۵ اوت ۱۹۴۱م/ سوم شهریور ۱۳۲۰ ش ، کشور بی طرف ایران در جریان جنگ جهانی دوم، از شمال و جنوب مورد تجاوز نیروهای شوروی و انگلستان قرار گرفت .

با تسلیم حقارت آمیز ارتش رضا شاه پهلوی و سقوط پادگان های نظامی تبریز، اردبیل، مشکین شهر و در ساعات اولیه تجاوز نیروهای بیگانه عشایر غیرتمند شاهسون - که به طور کامل از سوی رژیم پهلوی خلع سلاح شده بودند - به صورت خودجوش در مرزهای مغان، اجارود و مشکین شهر با متجاوزان درگیر شدند. مقاومت عده ای از جنگجویان شاهسون در پاسگاه های مرزی پیر ایوات لو، گرگ تپه، مرادلو، آزادلو و بیله سوار مغان، برگ زرینی از تاریخ حماسه ساز عشایر آذربایجان در این واقعه بزرگ به حساب می آید.

بعد از استقرار نیروهای شوروی در آذربایجان ، اردبیل، زنجان، گیلان و ... هزاران نفر از عناصر حزب کمونیست جمهوری های آذربایجان و ارمنستان شوروی با هدایت مستقیم استالین و کاخ کرملمین، وارد نواحی شمال غرب ایران شده و به فعالیت های فرهنگی، امنیتی و نظامی مشغول شدند.

کمونیست های اعزامی از جمهوری های آذربایجان و ارمنستان، از همان ابتدای ورودشان به تبریز و شهرهای مهم شمال غرب ایران، تجزیه نواحی متصرفی ارتش سرخ شوروی را در سر می پروراندند. عده ای از تربیت یافتگان

*. کارشناس ارشد تاریخ و پژوهشگر تاریخ دشت مغان و شاهسونها .

گروه های سوسیال دموکرات قدیمی و احزاب کمونیست و حزب توده با این تبلیغات هم‌نوا شدند. بخشی از توده های مردم ستم‌دیده شهری و روستایی نیز به امید نجات از حاکمیت ظالمانه رژیم پهلوی، در اوایل امر در برخی از شهرها به حمایت از آنان برخاستند.

عشایر شاهسون، مؤثرترین کانونی بود که توجه نیروهای اشغالگر و عناصر آنان را به خود جلب کرد و فرماندهان و مأمورین امنیتی آنان، با انواع حيله و تدابیر و حتی تهدید به سراغ بزرگان طوایف شاهسون رفتند، اما از این مردان غیرتمند، پاسخ منفی شنیدند.

گرچه، با حکمت و سیاست مدبرانه، تعدادی از متفقین شاهسون به هواداری از عناصر وابسته به شوروی برخاستند، اما بدنه و ستون فقرات عشایر مخالف اشغال کشورشان شدند.

در ایام اشغال، جنگجویان عشایر تحت رهبری روحانیون منطقه، دفاتر حزب توده را در اردبیل به آتش کشیدند و از گسترش فعالیت های آنان در شهرهای آذربایجان به ویژه در قلمرو زندگی طوایف شاهسون جلوگیری کردند. در همین رابطه برای جلب حمایت توده مردم، موضوع فتوای جهاد آیت الله العظمی آقا سید یونس موسوی نجفی، مبنی بر قیام علیه عناصر کمونیست و نیروهای اشغالگر را تبلیغ کردند.

در سال ۱۳۲۴ و همزمان با ایجاد فرقه دموکرات آذربایجان توسط مسکو و میرجعفر باقراف - رئیس جمهور آذربایجان شوروی - و گسترش فعالیت آنان در شهرهای آذربایجان ایران، دو پایگاه مقاومت چریکی عشایر در منطقه اجارود و ارشق در ولایت اردبیل به وسیله عشایر شاهسون تشکیل شد.

آنان طی درگیری های متعدد، ضربات مهلکی بر پیکر فدائیان فرقه دموکرات آذربایجان، عوامل امنیتی و نظامی شوروی وارد ساخته و در همین راه تعدادی از جنگجویان خود را فدای خاک پاک ایران عزیز نمودند. سرانجام، گروه چریکی عشایر با حمایت ارتش جدید ایران در سال ۱۳۲۵ وارد جنگ سرنوشت ساز با فدائیان فرقه دموکرات شده و در آذر ۱۳۲۵، در حالی که ستون های ارتش هنوز از قافلانکوه میانه عبور نکرده بودند دفاتر فرقه

دموکرات در تبریز، اردبیل و شهرهای دیگر آذربایجان به تصرف جنگجویان شاهسون و توده مردم مسلمان این منطقه در آمد.

بدین ترتیب ، عشایر شاهسون بار دیگر بر صفحات تاریخ درخشان بیگانه ستیزی صدها ساله خود برگ های زرینی افزوده و آذربایجان سرافراز را از تعدی بیگانگان محفوظ داشتند و به جهانیان اعلام کردند که وارثان شهدای جنگ چالدران و نهضت مقاومت حماسه آفرین عشایر آذربایجان زنده و پایدار هستند .

مشکلات فرقه دموکرات در یک سال حکومت بر آذربایجان

دکتر رحیم شهرتی فر*

فرقه دموکرات آذربایجان، در ۱۲ شهریور سال ۱۳۲۴ زیر چتر حمایتی نیروهای اتحاد شوروی که علیرغم پایان جنگ جهانی دوم از ایران خارج نشده بودند با انتشار مرامنامه خود اعلان موجودیت کرد و با سرعت تمام انتخابات مجلس ملی آذربایجان را در تمامی شهرستانهای ایالت آذربایجان برگزار نمود. نمایندگان منتخب این مجلس که اکثریت قریب به اتفاق آنها از عناصر وابسته به فرقه دموکرات یا حزب توده ایران محسوب می شدند برای صبح روز چهارشنبه ۲۱ آذر ۱۳۲۴ به تبریز دعوت و در اولین جلسه خود با تشکیل حکومت ملی آذربایجان به رهبری سید جعفر پیشه وری موافقت کردند و پیشه وری هم در بعد از ظهر همان روز فهرست کابینه دولت خود را به آن مجلس معرفی نمود.

حاکمیت فرقه دموکرات و حکومت ملی آذربایجان دچار مشکلات زیادی گردید که در این مقاله به بعضی از مهمترین آن مشکلات اشاره و با تکیه بر منابع تاریخی دست اول و اسناد معتبر مورد بررسی قرار گرفته است. فهرست مشکلات مورد توجه عبارتند از:

۱. عدم همراهی و همکاری مردم آذربایجان با حکومت فرقه دموکرات آذربایجان

مردم آذربایجان با شناخت ماهیت وابسته و تحت الحمایگی فرقه دموکرات به اتحاد جماهیر شوروی، اهداف آن فرقه را مورد ارزیابی قرار داده نه تنها از حمایت فرقه دموکرات سرباز زدند بلکه برای انحلال حکومت فرقه دموکرات لحظه شماری می کردند، تا اینکه در ۲۱ آذر سال ۱۳۲۵ قبل از رسیدن

* مدیر موسسه پژوهشی آذربایجان .

نیروهای ارتش ایران مردم آذربایجان خود بر علیه فرقه و حاکمیت آن شوریده و آنان را از آذربایجان بیرون کردند .

۲. مشکلات اقتصادی

الف . ناشی از قطع ارتباط با استانهای همجوار

ب . مشکل جمع آوری مالیات و عدم پرداخت مالیات توسط مردم آذربایجان به فرقه

ج . مشکلات ناشی از اجرای قانون تقسیم اراضی کشاورزی و مهاجرت مالکین از منطقه

د. مشکلات ناشی از اختلال سیستم مالی و پولی به خاطر عدم فعالیت بانک ملی شعبه تبریز

هـ بیکاری، فقر عمومی و کمبود مایحتاج عمومی

۳. مشکلات ناشی از اجرای قانون نظام وظیفه عمومی مصوب مجلس ملی آذربایجان و فرار نظامیان و فدائیان از پادگانها و مناطق عملیاتی، همچنین ضعف تدارکات و پشتیبانی ارتش تشکیل یافته توسط فرقه .

۴. شورش و درگیری و نا امنی های بوجود آمده در مناطق مختلف آذربایجان و ناتوانی ارتش حکومت فرقه در برقراری امنیت کامل در مناطق تحت سیطره.

۵. درگیری نظامی افراد مسلح با مردم و عوامل حکومت آذربایجان و ناتوانی حکومت فرقه برای ایجاد امنیت در مناطق کردنشین آذربایجان.

۶. ناکار آمدی عوامل اجرایی فرقه دموکرات در مناطق مختلف و ظلم و تعدی و بی انضباطی فدائیان و افراد وابسته به فرقه دموکرات که در حق مردم عادی مرتکب می شدند و باعث افزایش نارضایتی مردم می شد.

۷. عدم استقبال مردم آذربایجان از روزنامه آذربایجان ارگان فرقه دموکرات آذربایجان و بی اعتمادی مردم به اخبار و برنامه های رادیو تبریز که توسط فرقه دموکراتها راه اندازی و اداره می شد.

۸. تغییر سیاست اتحاد جماهیر شوروی در حمایت از فرقه دموکرات که تحت فشار قدرتهای جهانی بوجود آمد و توافق دولت ایران با شوروی که در سرنوشت حکومت فرقه دخالت تمام داشت.
۹. نبود انگیزه و روحیه مقاومت در بین عناصر مختلف طرفدار فرقه در شهرستانهای مختلف آذربایجان خصوصاً پس از انتشار اخبار مربوط به توافق دولت ایران و شوروی .

فرقه دموکرات و تجزیه آذربایجان (روایتی از دیروز - پندی برای امروز)

*
محمد رضا قلی زاده

در ۱۲ شهریور سال ۱۳۲۴ هنگامی که سرزمین های شمالی کشور در اشغال نیروی ارتش سرخ شوروی بود، فرقه دموکرات آذربایجان با صدور مرامنامه ای در تبریز اعلام موجودیت کرد و توانست با تمهیداتی در ۲۱ آذر همان سال قدرت را در آذربایجان از دست حکومت مرکزی خارج و به مدت یکسال خود جایگزین آن گردد.

درباره چگونگی پیدایش، کارکرد یکساله، فروپاشی فرقه و ... بطور کلی دو دیدگاه وجود دارد.

نخست: دیدگاه هواداران فرقه، که تشکیل فرقه را خیزشی انقلابی و برآمده از اراده آذربایجانی ها، و برای تحقق خواسته های مردم آذربایجان می دانند.

دوم: دیدگاهی که باور دارد، فرقه دموکرات با طرح و نقشه و پشتیبانی همه جانبه شوروی پدید آمد. تا برنامه جداسازی آذربایجان از ایران را عملی سازد.

داوری درباره این دو دیدگاه متضاد و نیز اینکه آیا میان پیدایش فرقه و سیاست های شوروی پیوندی بوده است و یا نه؟ تا چند سال گذشته مبتنی بر نوشته هایی بود که بیشتر جنبه ی خاطرات داشتند. تا اینکه پس از گذشت چند سال از فروپاشی شوروی سرانجام پژوهشگران توانستند به برخی از اسناد محرمانه دولتی دست یابند و بدینسان راه برای ارزیابی هرچه درست تر این جریان باز شد.

* . معاون بنیاد ایران شناسی آذربایجان غربی

دکتر جمیل حسنی از پژوهشگران جمهوری آذربایجان، با بهره گیری از اسناد محرمانه بایگانی مرکزی دولتی جمهوری آذربایجان در سالهای ۱۹۹۸-۱۹۹۹ دو کتاب منتشر کرده که ترجمه این دو کتاب با نام ((فراز و فرود فرقه دموکرات آذربایجان به روایت اسناد محرمانه آرشیوهای اتحاد شوروی)) از سوی نشر ((نی)) در سال ۱۳۸۳ منتشر گردید.

اسناد منتشر شده بیانگر آن است که کارگزاران شوروی به ویژه رهبری حزب کمونیست آذربایجان شوروی ((میر جعفر باقراف)) پیش از آغاز جنگ شوروی با آلمان به گونه ای جدی سرگرم زمینه سازی درباره آذربایجان ایران بوده است. پیشتر، شوروی در چند دوره میان سالهای ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۸ اقدام به بیرون کردن بسیاری از شهروندان قفقازی که از سوی ارگان های امنیتی، ایرانی تبار شناخته شده بودند کرد، در میان این رانده شدگان که شمار بسیاری از آنها در آذربایجان اسکان یافتند مقامات امنیتی، مأموران خود را به ایران فرستاده بودند .

با آغاز جنگ و اشغال سرزمین های شمالی ایران توسط ارتش سرخ، راه برای اجرای نقشه های از پیش تعیین شده باز شد، در آغاز روزهای اشغال ایران، باقر اف از سوی استالین برای گفتگو درباره آذربایجان ایران به مسکو فراخوانده می شود. در این گفتگوها قرار شد از آذربایجان شوروی گروه هایی مرکب از نیروهای حزبی، امنیتی ، تبلیغی ، بهداشتی به رهبری ((عزیز علی اف)) به آذربایجان ایران فرستاده شوند. باقر اف در دیداری با هیأت اعزامی تاکید می کند :... ما باید دیر یا زود آذربایجانی های مقیم آنجا (ایران) را با برادران آذربایجان شوروی پیوند دهیم... تمام این سرزمین ها آذربایجان ماست.

آشکار شدن مأموریت گروه های فرستاده شده و بحرانی بودن شرایط جنگ در آن برهه ، باعث می شود، شوروی گروه های فرستاده شده به رهبری عزیز علی اف را به شوروی بازخواند.

با پیروزی شوروی در جنگ، اجرای برنامه ناتمام مانده ی آذربایجان با آهنگی پر شتاب از سر گرفته می شود، حسن حسن اف در ۲۴ بهمن ۱۳۲۳

در گزارش خود به باقر اف ، یاد آور می شود: آزادی خلق آذربایجان باید با قلع و قمع آلمان هیتلری مصادف شود.

در اوائل ژوئیه ۱۹۴۵ م (تیر - مرداد ۱۳۲۴ ش) میر جعفر باقر اف به مسکو احضار شد . در ششم همین ماه دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان را برای رهبری جنبش جدایی خواهانه در آذربایجان تصویب کرد. در قرار دفتر سیاسی پیش بینی شده بود که گروه های مسلح از جدایی خواهان آذربایجان و هواداران شوروی تشکیل گردند. بیشتر گروه هایی که در آذربایجان مسلح شدند مهاجران قفقازی بودند .

به دنبال این مصوبه به دستور باقر اف، عبدالصمد کامبخش ، عضو کمیته مرکزی حزب توده، صادق پادگان، مسئول کمیته ایالتی حزب توده در آذربایجان . شبستری و میر جعفر پیشه وری مدیر روزنامه آژیر را مخفیانه به باکو آوردند، در گفتگوهای باکو پیشه وری برای رهبری فرقه دمکرات برگزیده شد.

پس از تشکیل فرقه دموکرات در شهریور ۱۳۲۴ بر اساس قرار حزب کمونیست شوروی ۸۰ نفر مأمور امنیتی که آموزش های ویژه دیده بودند به آذربایجان فرستاده شدند و یک سری عملیات تروریستی انجام دادند.

سرانجام در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ فرقه دموکرات قدرت را در آذربایجان به دست گرفت ، رهبران فرقه پیشنهاد می کردند تا مهلت خروج نیروهای شوروی از ایران به پایان نرسیده آذربایجان از ایران جدا گردد و یک حکومت دمکراتیک توده ای طبق الگوی جمهوری توده ای مغولستان اعلام موجودیت کند. ولی رهبران حزب کمونیست شوروی با رعایت اصل پنهان کاری برنامه جدایی آذربایجان را به گونه ای پیش می بردند که انگشت اتهام به سوی آنان اشاره نشود.

با بیرون رفتن نیروهای ارتش سرخ در نیمه اردیبهشت ۱۳۲۵ فرقه دموکرات که نتوانسته بود اعتماد مردم را به دست آورد ، با از دست دادن پشتوانه اصلی خود رفته رفته در سرایشی فروپاشی قرار گرفت و سرانجام در

سالروز به قدرت رسیدنش سقوط کرده و رهبران و عوامل فرقه ناگزیر به شوروی گریختند.

فراز و فرود فرقه دموکرات در آذربایجان (از نگاه اسناد)

منیژه صدیقی*

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان یافتن دوران جنگ سرد امکان استفاده از اسناد آرشیوهای موجود در آن کشور برای محققان فراهم شد. آقای جمیل حسنی با استفاده از همان اسناد دو جلد کتاب تالیف کردند که آقای منصور همای مختصری از این جلد کتاب را به زبان فارسی ترجمه کرد. اما قبل از ترجمه این کتاب استاد کاوه بیات در فصلنامه فرهنگی اجتماعی ((گفتگو)) دو سند در مورد تاسیس فرقه دموکرات در آذربایجان منتشر کردند. در دو سند منتشر شده، از تدابیر لازم دفتر سیاسی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی؛ در خصوص سازماندهی جنبش های جدایی خواهانه در آذربایجان ایران و سایر شهرهای شمال ایران اطلاع می دهد. برای رهبری این جنبش جدایی خواهانه در آذربایجان تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان پیش بینی شده بود.

برای رهبری جنبش جدایی خواهانه آذربایجان می بایست به فوریت یک گروه مسئول در تبریز تشکیل می شد. رهبری عالی این گروه به عهده میر جعفر باقر اف و یعقوب اف گذاشته شد. توسعه کمک های اقتصادی و فرهنگی به اهالی آذربایجان ایران از جمله تدابیر اتخاذ شده از سوی شورای کمیسارهای اتحاد شوروی بود. برای رسیدن به این هدف تصمیمات زیر اتخاذ شد:

گسترش ارتباط با اهالی محلی، استفاده از اهالی جمهوری آذربایجان در ترکیب هیأت های سیاسی و نظامی، چاپ و پخش حداقل سه روزنامه به زبان آذربایجانی، ایجاد نمایندگی بازرگانی آذربایجانی (جمهوری) در

* دانشجوی دکتری تاریخ و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی شبستر

موسسات شوروی در شهرهای تبریز، اردبیل، گماشتن نمایندگی های سیاسی در پست های کنسول، معاون کنسول و دبیر کنسولگری از اهالی آذربایجان (جمهوری)، تاسیس چاپخانه برای چاپ آثار، گسترش روابط فرهنگی ایران و شوروی در شهرهاو ...

دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی قطعنامه ای به تصویب رساند که در آن به باقر اف ماموریت داده شد برای رسیدن به هدف، یعنی فراهم آوردن زمینه ایجاد یک استان خود مختار ملی آذربایجان در چارچوب دولت ایران و شکل دادن به مجموعه ای از جنبش های جدایی خواه در برخی از ایالات ایران اقدام کند. به همین منظور مقرر شد برای رسیدن به هدف فوق اقدامات زیر انجام شود:

تاسیس یک حزب دموکرات در آذربایجان ایران تحت عنوان فرقه دموکرات آذربایجان و ادغام حزب توده در فرقه، ایجاد انجمن پیوندهای فرهنگی میان جمهوری شوروی آذربایجان و ایران، ایجاد انجمن دوستان آذربایجان ایران، انتشار یک مجله مصور و سه روزنامه در آذربایجان، سازماندهی مجموعه ای از گروه های پارتیزانی مسلح در چارچوب یک حرکت جدایی خواهانه، تخصیص بودجه برای تهیه تسلیحات لازم، و ...

اسناد موجود در آرشیوهای ایران که گزارش های ماموران شهربانی است نشان می دهد که تصمیمات ذکر شده با اندک فاصله زمانی در ایران به اجرا گذاشته شده است. به عنوان مثال ماموران شهربانی جلفا گزارش می دهند که در علمدار و گرگر انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی تاسیس شد. و یا در سراب و اهر تابلو دفتر حزب توده طی تشریفات خاصی برداشته و تابلو حزب دموکرات نصب شد (دموکرات فرقه سی)، مأموران شهربانی از میانه، گزارش حمل اسلحه با کامیون می دهند که روی آنها با یونجه پوشیده شده بود.

موضوع مقاله بررسی و تطبیق گزارشهای موجود داخلی با تصمیمات دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی است.

علل شکست فرقه دموکرات آذربایجان

شهره جلال پور *

تحلیل و بررسی فرقه دموکرات آذربایجان بدون توجه به علل شکست فرقه درست به نظر نمی رسد ، نگارنده در این مختصر به مهم ترین دلایل آن اشاره می کند:

وابستگی به شوروی، ارتباط پیشه روی با جعفر باقر اف ، رئیس جمهوری آذربایجان شوروی و کمک های این جمهوری به فرقه... موضوعی نبود که از دید مردم پنهان بماند.

ارتباط با حزب توده، پیوستن صادق پادگان به فرقه به همراه تعداد زیادی نفر از اعضاء شاخه ایالتی حزب توده و این که پیشه وری خود از فعالان قدیمی حزب کمونیست ایران بود و ... باعث دلسردی مردم از فرقه گردید.

اشتباه تاکتیکی فرقه دموکرات آذربایجان در اتحاد با فرقه دموکرات کردستان که به علت تفاوت های مذهبی، گویش و لباس خاص و ... باعث ایجاد احساس دوری مردم از فرقه دموکرات آذربایجان شد.

عدم توجه به مذهب و تمایلات مذهبی مردم ، خصوصاً در منطقه آذربایجان که حساسیت های مذهبی آن بسیار بالا است، عامل مهم دیگری در شکست فرقه بود.

تداخل و ابهام بین اهداف کوتاه مدت و بلند مدت فرقه مثل مصادره اموال و املاک و تنبیه جنایت کاران که باعث ترس مردم آذربایجان از فرقه شد.

حمله به زنجان که باعث تضعیف روحیه فرقه آذربایجان شد.

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

_حمله قوای نظامی حکومت مرکزی، تصرف تبریز و سایر شهرها.
_تهدید عدم حمایت پیشه‌وری به جدا کردن آذربایجان از ایران در باشگاه
مهرگان، در صورت خودداری حکومت مرکزی از موافقت با تقاضاهای فرقه.
_عدم حمایت شوروی به فرقه پس از امضاء قرارداد قوام سادچیکف.
_نگرانی مردم ایران از جدائی آذربایجان از ایران.
_در مرامنامه فرقه تنها به نیازهای محلی و بومی ترک‌زبانان آذربایجان توجه
شده بود، نه خواهی‌های دموکراتیک مردم ایران، که دل‌سردی مردم
را به همراه داشت.
_توجه خاص به تبریز و آذربایجان شرقی بدون در نظر گرفتن نیازهای
ساکنان دیگر نقاط خصوصاً آذربایجان غربی.
_ جدا کردن منافع آذربایجانی‌ها از غیر آذربایجانی‌ها.
_ پناهندگی پیشه‌وری و عده‌ای از یاران او به آذربایجان شوروی، قبل از
حمله حکومت مرکزی که موجب تضعیف روحیه فرقه‌ای‌ها گردید.
_ اختلافات داخلی بین کادر رهبری فرقه.
_ اختلاف بین دو فرقه دموکرات کردستان و آذربایجان
به رغم برخورداری فرقه از مبانی نظری ایدئولوژیک قوی، چون وحدت و
انسجام ملی را نادیده گرفته بود، به شسکت ایدئولوژی منجر شد.

اردبیل در بحران

رحیم نیکبخت *

اردبیل و پیرامون آن از نقاط استراتژیک و مهم آذربایجان در تاریخ معاصر ایران می باشد به ویژه بعد از جنگهای روسیه علیه ایران و تصرف هفده شهر ایرانی آن. این ناحیه یکی از مناطق مواصلاتی، تجاری ایران و قفقازیه (سرحدات روسیه) بود. بر اساس همین اهمیت استراتژیک روسیه از اوایل قرن چهاردهم هجری تعرضات پدمانه ای را برای تصرف این ناحیه داشته است. پس از شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران توسط بیگانگان فرصت مناسبی بود تا شوروی منویات خود در مورد ایران را عملی سازد که در برپایی حزب توده و سپس فرقه دموکرات به منصف ظهور رسید.

از بدو تأسیس حزب توده مخالفت هایی توسط رجال و علما بروز کرد که در پرتو حمایت های آشکار و نظامی ارتش سرخ سرکوب گردید. پس از تشکیل فرقه دموکرات در آذربایجان اتحاد جماهیر شوروی با ارسال نود کامیون اسلحه از مرز آستارا به داخل ایران به مسلح کردن آن پرداخت. علاوه بر اهمیت شهر، وجود عشایر غیور شاهسون هم مزید بر علت بود تا ارتش سرخ که تجربه رویارویی با این عشایر ایران دوست را داشت بر آن باشد؛ یا این عشایر را جلب یا سرکوب نماید. رفت و آمد مأموران عالیرتبه سیاسی امنیتی شوروی به منطقه حکایت از این اهمیت داشت.

پس از مسلح شدن گسترده فرقه دموکرات تعرض به پادگانها و پاسگاههای ژاندارمری در پناه ارتش سرخ شروع گردید. در اردبیل نیروهای متجاوز شوروی آشکارا تیپ اردبیل را از مقابله با فرقه دموکرات باز داشته امکان تصرف شهر توسط آنها را فراهم آوردند. روحیه سربازان و افسران تیپ اردبیل هم که کفن پوشیده آماده مقاومت و شهادت بودند با خدعه و نیرنگ

* مدیر بخش تدوین اسناد و تاریخ شفاهی مرکز اسناد انقلاب اسلامی و پژوهشگر تاریخ معاصر آذربایجان .

درهم شکسته شد و با تسلیم شدن تیپ و عزیمت افسران و سربازان به سمت تهران، اردبیل به دست فدائیان وابسته شوروی افتاد.

خوی از شهریور ۱۳۲۰ تا آذر ۱۳۲۵

دکتر محمدقلی دقیقی *

با اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ توسط نیروهای بیگانه، دوره ای به وجود آمد که به دو دلیل داخلی و خارجی از اهمیت خاصی برخوردار شد. گرچه ابعاد خارجی این مسأله در بعد جهانی آن به اندازه کافی مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است، ولی متأسفانه زمینه های داخلی بحران هنوز به روشنی بیان نشده است، از جمله در خصوص وضعیت مردم این شهرستانها در این دوره پنج ساله و تعامل آنها با نیروهای بیگانه، و تاریخ تحولات این منطقه ناگفته های بسیاری در آن مقطع زمانی دارد.

شهادت عده ای از سربازان خوی، توسط ارتش سرخ شوروی، از اولین حوادث این منطقه در این مقطع است. فعالیت حزب توده برای نیروهای اشغالگر روس تا سال ۱۳۲۴ش ادامه داشت ضمن اینکه روس ها در آذربایجان به ویژه در خوی مخالفان حزب توده را در سطوح مختلف مجبور به خروج از منطقه می کردند. پس از استقرار فرقه دموکرات مبارزات ملی و میهنی در خوی همچون سایر نواحی آذربایجان شروع شد. در مقابل فرقه دموکرات برای تسلط بر اوضاع هر مخالفتی را به شدت سرکوب می کرد. قتل فرقانی کتابفروش به جرم فروش مجله یادگار، قتل باقری، جوان با غیرت خویی که از ناموس خود دفاع می کرد، قتل سروان بورانی رئیس ژاندارمری خوی، روانبخش رئیس ثبت احوال خوی، از جمله اقدامات فرقه بود.

باتوجه به جنایات مذکور، رفتاری که با رجال ملی و ایران دوست خوی، چون مرحوم آقاسی، مرحوم ابوالقاسم مجتهدی و برکناری میرزا یحیی خان امیر چوپانی قاضی درستکار و مورد اعتماد و احترام مردم انجام دادند به رویگردانی بیشتر مردم خوی از فرقه دموکرات منجر گردید. مقاومت هایی که

* محقق و پژوهشگر تاریخ و فرهنگ خوی بازنشسته استانداری آذربایجان غربی

در مقابل تنظیم ساعت اداری خوی با ساعت مسکو بروز کرد نشانه این رویگردانی بود.

فرقه دموکرات در آستانه اولین سال استقرار خود بر آن بود در عیدی که عید خون (قان بایرامی) نام گذاری شده بود تمام رجال ملی و مذهبی را در شهرها و روستاهای آذربایجان قتل عام کند. دست تقدیر چنان بود که در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ عید خون رجال ملی و مذهبی به عید خون فرقه دموکرات تبدیل شد.

رابطه حزب توده با فرقه دموکرات آذربایجان

شیوا جلال پور *

یکی از فعال ترین احزاب سیاسی ایران که پس از خروج رضا شاه توسط بازماندگان اعضای گروه تقی ارانی (گروه ۵۳ نفر) چون بزرگ علوی ، ایرج اسکندری ، احسان طبری و ... و عده ای از فعالان سیاسی دوره های قبل چون جعفر پیشه وری، رضا روستا ، نوشین و ... به وجود آمد، حزب توده بود. به رغم این که ((حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران)) سرلوحه شعارها و مرام نامه حزب بود ، وابستگی به شوروی از اولین روزها تاسیس حزب جلوه گری نمود. در ارتباط با ماجرای نفت شمال، و اقدامات متعصبانه و غرض آلود این حزب در برپایی میتینگ و استفاده از ارتش سرخ و توپ و تانک های آنان در تظاهرات ، تمام شک ها را به یقین تبدیل نمود. حزب توده از تاسیس در ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ ش ، یعنی تاسیس فرقه دموکرات آذربایجان ، بنا به دلایل زیر توفیقی در ایران به دست نیآورده بود:

__ بنا بر مرامنامه حزب ، فعالیت های تشکیلات حزب توده پارلمانتاریستی بود و در خارج از مجلس هدفی را تعقیب نمی کرد.

__ شعارهای طبقاتی حزب، نتوانسته بود ملت ایران را جذب کند.

__ ماهیت ضد دینی حزب، باعث پراکندگی مردم از آن تشکیلات شده بود.

__ وابستگی به شوروی ، محبوبیت حزب را تحت الشعاع قرار داده بود.

__ عدم موفقیت حزب در ایجاد اقدام جدی و انقلابی باعث دلسردی مردم شده بود.

* دانشجوی دوره دکتری علوم سیاسی

دولت شوروی که در خلال جنگ جهانی دوم نتوانسته بود امتیاز نفت شمال را اخذ کند، بر خلاف تعهدات بین المللی اش به متفقین، به جای تقلیل قوا و خروج از ایران، به تقویت نیرو در استان های کردستان و آذربایجان پرداخت. پیشه وری نیز پس از مذاکرات و مکاتبات طولانی با شبستری و جعفر باقر اف به تبریز رفت تا فرقه دموکرات را تاسیس نماید. چون یکی از پایگاه های مهم حزب توده در آذربایجان بود و تعداد قابل توجهی عضو داشت، پس از مذاکره بین پیشه وری، شبستری و صادق پادگان که در آن زمان رئیس تشکیلات مالیاتی حزب توده در آذربایجان بود، قرار شد پیشه وری تشکیلات فرقه را به عنوان یک تشکل ملی ایجاد کند و بعد پادگان با سران تشکیلات حزب مذاکره کند.

پس از این توافق اولیه و جذب پادگان به فرقه، بدون اطلاع کمیته مرکزی، حزب توده ایجاد شد. دکتر ایرج ذوقی معتقد است تشکیلات فرقه همان حزب توده بود که در شکل و سازمان جدیدی خود نمایی کرده بود. احتمالاً تجدید و تغییر سازمان حزب به دو دلیل صورت گرفته بود:

الف - حزب توده به توطئه و دسیسه گری و خشونت بر علیه ملت ایران و وابستگی به شوروی شهرت داشت.

ب - حزب توده در آذربایجان، توسط افرادی اداره می شد که دولت شوروی به آنان اعتقاد و اعتمادی نداشت.

نگارنده بر این اعتقاد است که گذاشتن عنوانی بومی و ملی به نام فرقه دموکرات بر خلاف حزب توده، رنگ و بوی چپ و وابستگی به شوروی را نداشت، بنابر این مردم راحت تر جذب آن می شدند.

پس از پیوستن پادگان به فرقه در سفری که به تهران داشت، اعضاء دفتر مرکزی حزب توده را در جریان تشکیل فرقه و پیوستن اعضاء شاخه ایالتی حزب توده آذربایجان به فرقه قرار داد. فریدون کشاورز می نویسد: «الحاق شاخه ایالتی حزب توده آذربایجان به فرقه در چند روز اول کمی نارضایتی در رهبران حزب ایجاد کرد. پادگان اطلاع داد که حزب ما

موافقت رفقای شوروی به فرقه دموکرات آذربایجان که فردا (۱۳ شهریور ۱۳۲۴) تشکیل آن اعلام می شود، پیوسته اما کم کم نارضایتی اعضا به موافقت و امید به پیشرفت نیروهای ضد ارتجاعی مبدل شد و حتی منجر به تمایل نیروهای غیر مارکسیست مانند ملی گرایان و حزب ایران شد.»

کیانوری می نویسد «خلیل ملکی نسبت به جریان آذربایجان بدبین بود. اسکندری و جودت برای فرقه سینه چاک دادند و اردشیر آوانسیان گرچه با پیشه وری مخالف بود، اما سیاستش سکوت تأیید آمیز بود که در نهایت منجر به موافقت حزب توده به انحلال شاخه ایالتی حزب در آذربایجان و پیوستن اعضا آن به فرقه گردید.»

این ارتباط از دید مردم ایران و آذربایجان پنهان نماند و یکی از مهم ترین دلایل شکست فرقه، ارتباطش با حزب توده و به موازات آن ارتباط با اتحاد جماهیر شوروی بود.

بررسی ابعاد نظامی حوادث سال های ۲۵-۱۳۲۴ آذربایجان

ابراهیم مشفقى فر*

هر چند در خلال گزارش های مربوط به تحولات آذربایجان در سال های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ خورشیدی به طور پراکنده به ابعاد نظامی آن پرداخته شده، اما به طور منسجم و مستقل مورد توجه قرار نگرفته است. به هر حال حادثه ای که در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی اهمیت داشت، اما برجسته ترین بعد این ماجرا جنبه نظامی آن می باشد. بی شک هر فعل و انفعال نظامی در ابعاد تشکیلاتی، عملیاتی و مدیریتی و تدارکاتی آن، چه در جبهه مربوط به فرقه دموکرات و چه در جبهه مخالف آن از سوی نیروهای دولت ایران با مولفه های سیاسی، دیپلماتیک، اجتماعی و اقتصادی در تعامل بوده است.

فرقه دموکرات آذربایجان خود زاده شرایط خاص سیاسی نظامی زمانش بود، شاخه نظامی، کادر فرماندهی، اعم از افسران فارس زبان و آذری و کادر پایین نظامی آن و سربازانی که در این نیرو خدمت می کردند از انگیزه ها، آموزش ها و شرایط و امکانات خاص خود برخوردار بودند و این ویژگی ها در نحوه جنگیدن و نتایج کاری آنها تاثیر مستقیم داشت. سازمان نظامی آنها، نحوه فراخوان، استخدام و به کارگیری نیروی نظامی در تشکیلات فرقه دموکرات، آموزش ها و تجهیزات جنگی آنها نیز در خور بحث و بررسی است. ضمن اینکه حمایت و پشتیبانی همه جانبه نظامی در سطوح مختلف اعم از تجهیزات آموزش و سازماندهی ارتش فرقه توسط ارتش سرخ شوروی هم موضوع مهمی برای بررسی است.

روند وقایع نظامی در آذربایجان از ۲۴ آبان ۱۳۲۴ که درست ۴۲ روز بعد از صدور بیانیه استقلال آذربایجان توسط پیشه وری در ایستگاه میانه شروع

* دانشجوی دکتری تاریخ و عضو هیات علمی دانشگاه امام حسین (ع) .

شد، تا جنگ تمام عیار نیروهای دولتی و نیروهای فرقه ای در قافلانکوه و میانه در آذرماه ۱۳۲۵ که اوج برخوردهای نظامی بود و تا جنگ های تبریز و ... مستلزم توصیف و تحلیل است .

در جبهه مقابل نیز شروع اقدامات نظامی در تهران، الزاماتی که موجب گردید در شرایط زمانی خاصی به عملیات نظامی پرداخته شد و تمهیدات و تدارکات به عمل آمده ، عِدّه و عِدّه فراهم شده برای عملیات نظامی و روند و نتایج فعل و انفعالات نظامی و نحوه عمل نیروهای دولتی و تلفات طرفین از مباحث و مسائل درخور تأمل و بررسی این ماجرا می باشد که سعی می شود در این بررسی به این جوانب پرداخته شود .

بررسی عوامل مؤثر در موفقیت اولیه فرقه دموکرات آذربایجان

دکتر نفیسه واعظ*

تقابل فرقه دموکرات آذربایجان با حکومت مرکزی در ۲۵-۱۳۲۴ ش، که حاصل بروز بحران های چندگانه مشارکت، هویت و ناکارایی بود، در ابتدا با توفیق هایی همراه شد و امیدهایی را برای برقراری دموکراسی و رهایی از نابرابری اقتصادی برانگیخت. فرقه دموکرات آذربایجان به انجام پاره ای از امور به تاخیر و تعویق افتاده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی در آذربایجان، همانند ایجاد مؤسسات مدنی برای مدتی کامیاب شد.

این پژوهش قصد بازنگری و بررسی عوامل مؤثر در موفقیت فرقه دموکرات در کسب و استقرار قدرت را دارد، قدرتی که تثبیت نشد و به زودی بنیادهای حکومت فرقه دموکرات در آذربایجان فرو ریخت.

فرضیه این پژوهش بر این پایه قرار دارد:

به نظر می رسد در واکاوی عوامل موفقیت های اولیه فرقه دموکرات، بتوان به دو عامل ذهنی و عینی اشاره کرد: از نظر ذهنی، امیدواری و باورداشت مردم آذربایجان بکار آمدی یک دولت محلی - ملی (بومی) در حل و فصل مسائل ریشه دار آذربایجان.

از نظر عینی، مجموعه ای از عوامل خارجی و داخلی، به لحاظ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی در آغاز زمینه ساز کامیابی هایی شدند، ولی عمر پیروزیها برای فرقه دموکرات آذربایجان به درازا نکشید.

در سطح جهانی، پشتیبانی شوروی از فرقه دموکرات که با تشویق، القاء، فرقه سازی، تهییج مردم و سران فرقه دموکرات صورت گرفت. اشغال ایران و ((بحران گذار)) در نظام بین الملل فرصت مناسب را فرا روی شوروی و گماشتگان خود در فرقه گذاشت تا تلاش پیگیر برای کسب نفوذ در سالهای پس از جنگ جهانی دوم در ایران اعمال نمایند.

* استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا.

در سطح داخلی به اختصار می توان به شرایط مساعد زیر اشاره نمود:

۱. تظاهر به اعتدال و میانه روی همانند :

الف) تاکید بر برقراری دموکراسی ب) اجتناب از گنجاندن خواسته‌های رادیکال در اعلامیه خود مختاری ج) خالی گذاردن پست وزارت خارجه در کابینه فرقه.

۲. برخورداری از شرایط مناسب سیاسی :

الف) سرخوردگی های سیاسی سید جعفر پیشه‌وری که او را مہیای یک انتقام‌گیری سیاسی خشونت‌آمیز نمود.

ب) دستیابی به توان سازمانی با پیوستن شورای متحده کارگری، و شاخه ایالتی و شاخه نظامی حزب توده به فرقه دموکرات آذربایجان. ج) تظاهر چپ‌گرایانه قوام که به تحکیم نسبی مواضع فرقه انجامید.

اجتماعی: برخورداری از حمایت گسترده اجتماعی به دلیل:

الف) فرقه دموکرات دولت مرکزی را به *Other* مردم آذربایجان در انسجام ضد حکومت مرکزی تبدیل کرد و در آغاز بر یکسان‌سازی طبقات اصرار نورزید.

ب) موثر بودن اقدامات اصلاحی فرقه به ویژه در زمینه کشاورزی، تأسیس نهادهای اجتماعی و فرهنگی.

ج) بهره‌برداری از ((آن تاریخی)) رخ داده در آذربایجان به دلیل ضعف حکومت مرکزی و وقوع یک بحران و بازنگری فکری در کشور که پس از اشغال پدید آمده بود.

فرهنگی: الف) نخبگان فرقه، شور ناسیونالیستی به وجود آمده پس از جنگ جهانی دوم در سطح دنیا را به سوی تاکید بر هویت قومی آذربایجانیها جهت دهی نمودند.

ب) مہیا بودن شرایط برای پذیرش وعده‌های فریبنده فرقه، مثل نیل به آزادی مثبت و منفی.

۳. ناتوانی کانون‌های مقاومت ضد فرقه دموکرات :

کانون هایی که در اوضاع عادی اجازه بروز به جریانهای امثال فرقه دموکرات در ایران نمی دادند . عبارت بودند از: حکومت مرکزی که به دلیل فروپاشی دولت مطلقه مدرن پهلوی اول، اشغال و بازخوردهای آن مانند تزلزل و بی ثباتی در کابینه ها، و انجام واکنشهای عموماً نابخردانه به واقعه خود مختاری، توان باز دارندگی خود را از دست داد، همچنین خلأ قدرت ناشی از فرار مالکان و سرمایه داران از آذربایجان امکان مقاومت و رویارویی را از آن کانون ها در قبال تشکیل فرقه دموکرات سلب کرد.

نتایج این تحقیق آشکار می سازد که فرقه دموکرات آذربایجان از اوضاع وخامت بار آذربایجان به سود ایده آل و برنامه های خود بهره جست و نارسایی های عام ملی ناشی از بازخوردهای زیانبار دولت مطلقه مدرن رضاشاهی و بازتاب های ناشی از اشغال را همچون مسئله ای به شدت خاص برای آذربایجانیها تلقی نمود و وعده رهایی از فشار و محرومیت را نوید داد و با وانمود کردن خود به عنوان اراده جمعی مردم آذربایجان در آغاز موفق به ایجاد یک ((حجم همسو)) علیه دولت مرکزی گشت ولی با انحراف از سیاست اعلامی و به ویژه با شوروی خواهی عمیق و گرایش به جداسری از همدلی و همدات پنداری مؤتلفان اولیه خود محروم شد.

((ترکیه و فرقه دموکرات آذربایجان))

محمدعلی بهمنی قاجار*

از هنگام پیدایش دولت صفویه و ظهور شاه اسماعیل، دولت ترکیه عثمانی همواره سودای تسلط بر آذربایجان را داشت. یورشهای پیاپی عثمانی از دوران شاه اسماعیل تا عصر نادرشاه افشار همگی با مقاومت قزلباشها به شکست انجامید و عثمانیها هیچ گاه موفق به ضمیمه کردن گوشه ای از خاک آذربایجان به کشورشان نگردیدند. در دوران قاجاریه نیز تلاشهای عثمانی برای نفوذ در آذربایجان که گستره وسیعی از لشکر کشیهای نظامی تا تحریک کردهای آذربایجان را در بر می گرفت، همگی ناکام ماند و عثمانیها کوچکترین نفوذی در خطه ولیعهد نشین ایران به دست نیاوردند. اما در سالهای آغازین سده بیستم با پدیدار شدن اندیشه های پان ترکیستی در ترکیه و روی کار آمدن ترکهای جوان، عصر جدیدی در توسعه طلبی ترکیه عثمانی آغاز گردید. در این عصر عثمانی بیش از آنکه به تکاپوهای نظامی دل ببندد در صدد ستیزی هویتی بر می آید تا هویت مردم آذربایجان را از سایر ایرانیان بیگانه و با ترکهای عثمانی یگانه نشان دهد. چنین ستیز هویتی نیز در برابر اراده ایراندوستانی همچون ستارخان و شیخ محمد خیابانی که اندیشه شان از عمق آگاهی تاریخی مردم آذربایجان بر می خاست، نتیجه ای جز ناکامی در بر نداشت. به دنبال این رویدادها، مناسبات ایران و ترکیه پس از روی کار آمدن رضاشاه و آتاتورک رو به بهبود نهاد و دو کشور که دشمنی مشترک یعنی شوروی را رویاروی خود می دیدند به همبستگی هر چه بیشتر روی آوردند. چنین وضعیتی پس از درگذشت آتاتورک و استعفاء رضا شاه نیز ادامه یافت و در جریان وقایع در پیوند با فرقه دموکرات آذربایجان نمودی آشکار پیدا کرد. در این عصر دولت ترکیه با آگاهی از معادلات سیاسی جهانی و درک تهدید روز افزون شوروی، سیاستی منطقی نسبت به دولت ایران و

* محقق و پژوهشگر تاریخ ایران.

فرقه دموکرات آذربایجان در پیش گرفت. اما در همین دوره نیز پان ترکیستها دست از تلاشهای خود برداشتند و در برهه هایی بر خلاف سیاست رسمی دولت خود به پشتیبانی فرقه دموکرات نیز برخاستند. در یک برآیند کلی از واکنش دولت و جامعه ترکیه نسبت به رخدادهای سالهای ۱۳۲۵ و ۱۳۲۴ آذربایجان می توان به موارد ذیل اشاره کرد.

الف - بازتاب دخالتهای شوروی در رویدادهای آذربایجان در ترکیه .

ب - نگرش سیاستمداران و روزنامه نگاران ترکیه به پیوستگیهای آذربایجان با سایر مناطق ایران .

ج - نگرش دولتمردان ترکیه نسبت به سیاست دولت ایران در برابر فرقه دموکرات.

د - دیدگاه غالب در ترکیه در مورد ماهیت فرقه دموکرات آذربایجان.

ه - بازتاب مقاومت مردم آذربایجان در برابر فرقه دموکرات در ترکیه.

و - تکاپوهای پان ترکیستهای ترکیه در پشتیبانی از فرقه دموکرات.

به موارد یاد شده در اصل مقاله پرداخته شده و گوشه هایی از آن در سخنرانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت .

اقدامات

حوزه مطالعات سیاست خارجی

(گروه‌های خاورمیانه و مناطق همجوار ایران)

از دیماه ۸۳ تا تیر ۸۶

| زمان | موضوع سخنرانی | سخنران |
|---------------|--|---|
| دیماه ۱۳۸۳ | نگاه نادرشاه افشار به قفقازیه | دکتر رضا شعبانی استاد دانشگاه |
| بهمن ۸۳ | فراز و نشیب روابط ایران و جمهوری آذربایجان پس از فروپاشی | دکتر علیرضا بیگدلی سفیر اسبق ایران در جمهوری آذربایجان |
| اسفند ۸۳ | تلاقی استراتژیها در بحران قراباغ | آقای محمدفرهاد کلینی سفیر سابق ایران در ارمنستان |
| فروردین ۱۳۸۴ | ترکان جوان در قفقاز | دکتر محمدتقی امامی خوئی استاد دانشگاه |
| اردیبهشت ۱۳۸۴ | تالشان در جمهوری آذربایجان | دکتر حسین احمدی استاد دانشگاه |
| خرداد ۱۳۸۴ | شروانشاهان، صفویه و عثمانی | دکتر رحیم رئیس نیا پژوهشگر و مورخ |
| مرداد ۱۳۸۴ | برخورد صفویان و عثمانیان در قفقاز (۹۹۸-۹۸۶ ق) | دکتر نصرالله صالحی استاد دانشگاه |
| شهریور ۱۳۸۴ | قفقاز و سیاست امپراتور عثمانی | آقای علی پور صفر محقق و پژوهشگر |

- آقای مهرزاد طباطبایی
کارشناس ارشد مطالعات استراتژیک
- مهرماه ۱۳۸۴
بررسی تطبیق تغییر حاکمیت در
قفقاز (۲۰۰۵-۲۰۰۰)
- آقای مرتضی رحمانی موحد
رئیس اداره دوم مشترک المنافع وزارت
خارجه
- بهمین ۱۳۸۴
جایگاه ترکمنستان در منطقه و روابط با ایران
- آقای مجتبی دمیرجی
رئیس دبیرخانه دریای خزر وزارت
خارجه
- اسفند ۱۳۸۴
دریای خزر و رژیم حقوقی آن



- همایش یک روزه ((مناقشه قزاق))
- آبان ۱۳۸۴
- همایش ((بررسی کتب تاریخی جمهوری آذربایجان (با تکیه بر کتب درسی))
- اردیبهشت ۱۳۸۵
- همایش ((بررسی تحولات جهان اسلام))
- شهریور ۱۳۸۵
- نشست تخصصی ((مسئله فلسطین و جهان اسلام))
- مهرماه ۱۳۸۵
- همایش ((نوزایی مقاومت اسلامی در خاورمیانه (نگاهی به حماسه حزب الله))
- آبان ۱۳۸۵
- همایش ((بررسی تحولات افغانستان (در یکصد سال اخیر))
- آذر ۱۳۸۵
- همایش بررسی جایگاه تالش شمالی در قفقاز
- دیماه ۱۳۸۵
- همایش تأثیرات منطقه ای و بین المللی انقلاب اسلامی ایران
- بهمین ۱۳۸۵
- همایش بررسی مسئله انسان شناسی فرهنگی در ایران
- خرداد ۱۳۸۶
- همایش عراق امروز؛ چالشها و چشم اندازها
- تیر ۱۳۸۶

همایش بین‌المللی نقد و بررسی منابع مطالعاتی آذربایجان و اران

همایش بین‌المللی «نقد و بررسی منابع مطالعاتی آذربایجان و اران در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه ۴ و ۵ خرداد ماه ۱۳۸۹ در دانشگاه محقق اردبیلی برگزار خواهد شد. این همایش به وسیله نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌های اردبیل و مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران برگزار خواهد شد.

آقای دکتر حسین احمدی دبیر علمی این همایش در خصوص اهداف این همایش گفت: با استفاده از اساتید و پژوهشگران متخصص ایرانی و خارجی با یک رویکرد علمی و پژوهشی قصد بررسی منابعی را داریم که از دیرباز تاکنون در خصوص مسائل مختلف جغرافیایی تاریخی، فرهنگی، اجتماعی قلم زده‌اند.

دکتر احمدی گفت: طی فراخوانی که از حدود نه ماه قبل به زبان روسی، انگلیسی و فارسی داشتیم بیش از ۲۰۰ خلاصه مقاله از کشورهای ایران، هلند، روسیه، ارمنستان، جمهوری آذربایجان، گرجستان، ازبکستان، فرانسه به ما رسید کی ۴۲ خلاصه مقاله به زبان روسی، ۲۴ تا به انگلیسی و مابقی فارسی بود.

از ۱۲۱ مقاله ارسالی ۵۶ مقاله فارسی، ۳۸ مقاله روسی و مابقی انگلیسی بود کمیته علمی همایش که مرکب از ده نفر از متخصصان بودند بعد از بررسی مقالات نهایتاً به پذیرش ۷ مقاله خارجی و ۲۴ مقاله داخلی دادند.

مقالات خارجی و پذیرفته شده ۴ مقاله از روسیه، و از جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان هر کدام یک مقاله دو مقاله حوزه جغرافیایی مقالات ایرانی از آذربایجانها ۱۸ مقاله استان آذربایجان شرقی ۹ از اردبیل ۶ مقاله و آذربایجان

غربی ۳ مقاله، از زنجان و آستارا هر کدام یک مقاله پذیرفته شده مابقی مقالات از سایر استانهای ایران می باشد که دو مقاله دو نفره ارائه خواهد شد. از نظر جنسیتی ۵ زن و مابقی مرد هستند که سهم ایرانی سه زن می باشد. ۳ نفر از افراد دعوت استاد دانشگاه هستند که سهم خارجیها ۵ نفر می باشد.

دکتر احدی گفت: زبان همایش انگلیس ها روسی و فارسی می باشد.

